داخلی می نویسد افتتاح جلسات و حفظ ترتیب مذاکرات واجرای نظامنامه و حفظ نظم بعهده رئیس است بعد در ماده ۱۰۸ مینویسد :

درمباحثات ناطقین باید متناوباً به ترتیب مخالف وموافق نطق نمایند . بعد درماده ۱۱۰ می‌نویسد:

ناطق باید از موضوع مباحثه خارج نشود چنانچه خارج شود رئیس اورا متذکر می‌سازد و اگر ناطق مزبور بخواهد توضیحاتی بدهد که او ازموضوع خارج نشده‌است یااینکه خارج ازموضوع شدن دلائل دارد در این باب اجازه داده نخواهد شد - بنده امروز می‌بینم که ترتیب نظم این مجلس ازاولی که شروع کردیم در مذاکره هیچ ترتیب صحیحی نبوده است وواقعاً از تماشاچی‌ها خجالت می کشیم بواسطه اینکه از اولی که شروع کردیم در مذاکره هیچ ترتیب صحیحی نبوده است اولا شروع نکردن بمذاکره در دستور مجلس بعد برخواستن یك‌نفری و در خارج از دستور صحبت کردن و ملاحظه رئیس از اشخاص وکلا اگرچه فلان وکیل محترم است ودرنهایت احترام هم‌هست ولی احترام وکیل‌بسته به‌احترام حفظ‌نظم واحترام قانون است .

رئیس — صحیح می‌فرمائید بنده می دانم خلاف ترتیب واقع شده ولی بنده تمام روزها با نمایندگان مجادله ومرافعه می کنم در ترتیب نظم وابداً فایده نمی کند مثل اینکه در بعضی از مواد خود حضرتعالی تکلیفاتی به‌بنده کرده‌اید که‌برخلاف ترتیب بوده است.

معاضد السلطنه — چون سوء تفاهمی شده است درعرایض بنده اگر اجازه می فرمائید توضیح بدهیم .

رئیس - بفرمائید .

معاضد السلطنه — بنده بی ترتیب و برخلاف نظم اینجا صحبتی نکردم پریروز دراول مجلس اجازه خواستم وعرض کردم که مطالب من خارج از دستور است فرمودند در آخر مجلس بگوئید آخرمجلس بواسطه‌این که وزراء آمدندو مسئله‌استقراض پیش آمدموقع نشد که‌اظهارات‌خودمرا بنمایم بعدازمجلس رفتم‌به‌ایشان اظهار کردم اجازه دادند که دراول مجلس امروز عرض بکنم این بود که بنده هم دراول مجلس اظهارات خود را بعرض نمایندگان رساندم وحقاً داخل مذاکره شدم و بنده این تذکرات را دراینجا بهتر از مذاکره در دستور امروز ووضع قانون میدانم برای اینکه ماباید اولا اساس مملکت را درست بکنیم وحفظ بنمائیم بعد قانون برای مملکت وضع کنیم واگر کسی خیرخواه مملکت نباشد این اظهارات را نمیکند.

اینجا شاهزاده اسدالله میرزا گفتند که عده‌ای هستند که نه گذارند وزراء کار بکنند. (گفته شد که این سئوال است یااستیضاح .)

آدینه محمدخان - استیضاح است وزیر بیاید استیضاح شود وزیر که نداریم تا این که استیضاح بکنیم.

معاضدالسلطنه — بنده هروقت بخواهم سئوال یا استیضاح بکنم که وزراء حاضر نمیشوند لابدم که دراین موقع اظهارات خودم رابنمایم بعلاوه استیضاح کردن چه ربطی به این مطلب دارد اگر یك وزیری درکار خود غفلت کرده باشد نباید گفت که این وزیر غفلت کرده است ؟

وزیر پست — امروز که نه موقع سئوال است ونه موقع استیضاح بدون مقدمه یك اظهاراتی کردید وبنده برخواستم جواب گفتم وزراء هم البته برای استیضاح حاضرند و هم برای سئوال اطلاع بدهید روزش رامعین میکنند وحاضرمیشوند.

معاضدالسلطنه — اما آنچه که راجع به مازندران فرمودند بنده هم‌آن ترتیباتی راکه گفته‌اند اطلاع دارم ومسبوق هستم.

رئیس — این فرمایش شما توضیح نیست اگرسوء تفاهمی در بیانات شماشده است که بفرمائید والا اجازه بخواهید و نوبت که بشما رسید بیائید و مطالب خودتان را بفرمائید حالادیگر دراین‌خصوص مذاکره نمیشود .

منتصر السلطان از معاون محترم وزارت امور-خارجه سئوال داشتید بفرمائید.

منتصر السلطان - از معاون محترم وزارت امورخارجه سئوال میکنم که چندیست در بادکوبه تجار محترم ایرانی و اتباع ایران شکایت میکنند از مأمور آنجا که راجع بمدارس وتذکره بعضی‌جرائم وپولها به اسم تذکره وغیره که مخالف قانون تذکره است مطالبه میکند و البته حضرتعالی مسبوق هستید که درباکوواطراف باکو متجاوز ازشصت وپنجهزار اتباع ایرانی است وچندین نفرشاگردان محصل‌هستند که تحصیل میکنند واین مأموری که ازطرف وزارت خارجه درآنجاهست اگر میشودکه تغییری داده‌شود یا اصلاحاتی درآنجا بشود بفرمائید .

معاون وزارت خارجه - چندی است‌از ساعد الوزاره شکایتهای متوالی رسیده است و مواد شکایات رامشروحاً نوشته اندولی ازآنطرف پریروز خودش تلگرافی کرده بود وتقاضا کرده بود آنجا که رسیدگی بکنند که اگر واقعاً مقصر است اورا معرفی بکنند و اگر تقصیر ندارد باز استدعا کرده است که استعفای او را قبول بکنند چون شخص ساعد الوزاره خودش مایل بتوقف در بادکوبه نیست باوجود اینکه هنوز قصورش بروزارت خارجه معلوم نشده است مأمورمخصوصی برای اینکارمعین شده‌است وهمین چند روزه میرودکه رسیدگی نماید .

منتصر السلطان - کمال امتنان از اقدامات وزارت امورخارجه دارم.

رئیس — هفته آینده مجلس تعطیل است برای عزاداری ایام نهم ودهم ویازدهم ازسه ساعت بغروب مانده روضه خوانی است جلسهٔ آتیه شنبه۱۲ و دستور هم بقیه دستور سابق است مجلس یکساعت ونیم ازشب گذشته ختم گردید.

جلسه ۱۹۸

صورت مشروح روزسه شنبه ۱۵ شهر محرم الحرام ۱۳۲۹

مجلس دوساعت ونیم قبل‌از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاء الملك تشکیل شد

صورت مجلس روز پنجشنبه (۳) را آقای معاضدالملك قرائت نمود .

غائبین جلسه قبل : آقای سید محمد رضا حاج وکیل الرعایا — آقا میرزا اسد الله خان بدون اجازه .

ممتازالدوله . حاج امام جمعه با اجازه غایب بودند .

آقا شیخ رضا . کاشف حاج محمد کریم خان حاج آقا . سپهداراعظم . سردار اسعد . آقا میرزا ابراهیم در موقع مقرر حاضرنشده . دکترعلیخان مریض بودند .

رئیس - درباب صورت مجلس اگرملاحظاتی است بفرمائید .

مشیرحضور - درباب صورت مجلس عرضی ندارم عرضم خارج از دستور است اگراجازه می-فرمائید عرض کنم .

کاشف - بعداز صورت مجلس عرضی دارم که خارج از دستور است اجازه بفرمائید عرض کنم

حاج سیدابراهیم - بنده می خواهم عرض کنم که آن کمیتهٔ اتحاد و ترقی نیست اتحاد وترقی ایران وفرانسه است واین صحبت خارج ازدستوررا هم که‌می‌خواهند بفرمایند خارج ازدستوراست(صورت مجلس امضاء شد) .

صدر العلماء - راپورت کمیسیون پروگرام راجع بعدلیه طبع و توزیع شده است و حالا دیده شد ازاینجهة تقاضا می کنم‌جزء دستور شود بواسطه اینکه تشکیلات عدلیه هم بعداز خواندن اینصورت به مجلس بیاید حالا اگر جزء دستور نیست در دستور بگذاریدکه خوانده شود وزودتر درخصوص تشکیلات عدلیه قراری داده شود .

رئیس - راپورت کمیسیون پروگرام را که می‌فرمائید طبع‌وتوزیع شده است می‌خواستم‌امروز جزء دستور بگذاریم ولی بملاحظه اینکه‌شایدهنوز بیست و چهار ساعت از توزیع آن نگذشته باشد گذاشتم برای جلسه آتیه حالا اگر اذهان آقایان حاضر است که امروز جزء دستور شود در دستور امروز میگذاریم .

صدرالعلماء - خیربنده هم برای‌جلسه‌آتیه عرض کردم که جزء دستور شود .

رئیس - بسیارخوب جلسه آتیه جزء دستور خواهد شد .

ارباب کیخسرو - خواستم خاطر آقایان را مسبوق کنم درباب نطقهائی‌که می‌فرمایندچنانچه خاطر آقایان مسبوق است چندی قبل بناشد که روزنامهٔ رسمی دائرشود واین مطلب بوزارت‌داخله اظهار شد ولی ضمنا چون رأی خیلی ازآقایان‌این بودکه نطقهاشان دریك‌روزنامه‌درج شود موقتاقرار گذاشته بودندکه درجزء روزنامه استقلال‌ایران‌درج شود وقراریهم در ضمن داده بودند ووزارت مالیه هم بموجب‌آن فراریك پولی‌میرساند بادارهٔ‌مباشرت واداره مباشرت هم می داد ولی حالا چون اداره مباشرت می‌بیندکه اینکار خارج از وظیفه او است این است که خاطر آقایان را مسبوق میکنم که از امروز دیگر نطقها بادارهٔ روزنامهٔ استقلال ایران فرستاده نخواهد شد تاموقعیکه روزنامهٔ رسمی دائر شود واز قراری هم‌که وزیر داخله فرمودنددرصدد

هستند که روزنامهٔ رسمی را دائر نمایند و برای استحضار آقایان عرض شد که دیگر منتظر درج نطقهاشان درروزنامه استقلال ایران نباشند و هر جدی دارند درباره روزنامه رسمی بفرمایند عرض دیگر بنده در باب جلسه روز جمعه گذشته بود که وزراء تقاضا کردند وجلسه خصوصی منعقد شد و آن مطلبی که اظهار کردند چون خیلی مهم است و مسئله ثابت کردن قرض جاری بانك استقراضی است واراین جهة تغییری در قرارنامه بانك پیدا خواهد شد از این جهة بنده تقاضا میکنم که این مسئله بمجلس علنی بیاید تا اینکه انکار وزراء و وکلا در آن باب معلوم شود .

رئیس — در خصوص مذاکرات مجلس همانطور که فرمودند من بعد در روزنامه استقلال ایران درج نخواهد شد و برای استحضار آقایان عرض می کنم که وزارت داخله صورت خرج روزنامه رسمی رافرستاده است وبکمیسیون بودجه رجوع شده است که زودتر قراری درباب آن بدهند روزنامه رسمی دائر شود ودرمسئله قرض هم که فرمودند علاوه بر اینکه تقاضا میکنند که بمجلس علنی بیاید یك استیضاحی هم هست که خوانده میشود .

آقا شیخ اسمعیل — در باب نظامنامه انتخابات می خواستم عرض کنم که اشخاصی را معین کردیم که اصلاحات درآن بکنند وفردا موعد این دوره سر میرود وهیچ تصحیحی در امر انتخابات نشده است اگر خیال اصلاح این مملکت رادارید این را معین بکنید که آنهائی که منتخب شده‌اند جمع شوند ورئیس خودشان رامعین بکنند و مشغول شوند تا اینکه اصلاح نظامنامه انتخابات بشود والا درآتیه انتخابات صحیح در این مملکت نخواهد شد

رئیس — صحیح است از آقایانی که برای اینکار از شعب انتخاب شده اند خواهش می کنم که اگر کسری دارند بشعبات اظهار بدارند که انتخاب شود واگر تابحال هیئت رئیسه خودرامعین نکرده‌اند انتخاب نمایند و انجام اینکار را بدهند تلگرافی ازقصر بعبارت ذیل قرائت شد :

مجلس مقدس شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه اگرچه انتخاب داعی دراعداد هیئت معظمه مجتهدین اعضا موجب کمال تشکر و خدمت بدین وطن وملت غایت العضوی آمال امثال داعی است لکن نظر بکثرت موانع که رفع آنها خارج از اقتدار است این توفیق مسلوب و با کمال شرمساری استعفای خود را تقدیم می‌دارد (الداعی مهدی مازندرانی)

رئیس - حالا باید یك نفر بجای ایشان معین کرد همچنین بجای آقای حاج میرزا زین العابدین قمی ودرجلسه آتیه اقدام خواهیم کرد .

مکتوبی هم از خراسان ازطرف آقای قوام الاسلام ازقرار ذیل خوانده شد:

چهار شنبه دویم محرم ۱۳۲۹ ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه عدم قابلیت دعاگو بر تمام اعضا دامت شوکتهم واضح و عدم امکان حرکت وتشرف بآن مقام منیع بر بعضی از اعضاء ایضاً واضح لذا مستدعی از آن ناحیه مقدس می باشد که استعفای حقیر را قبول و دست خط قبولی را منتظر زیارت می باشم و امیدوار از درگاه احدیت عزاسمه است بقاء شوکت ونفوذ قوانین صادره واتحاد و اتفاق ومسلك واحده آن مقام مقدس را زیاده امرامر مبارك است .

(چاکر آن استان مقدس قوام الاسلام) .

رئیس - آقای قوام الاسلام که مدتی بود غایب ومسافر بودند حالا بموجب این نوشته استعفا داده‌اند باید بجای ایشان یك نفر انتخاب بشود .

مشیر حضور — روز جمعه گذشته بواسطه خبری که از ادارهٔ مباشرت داده بودند برای جلسه خصوصی حاضر شدم بعد در عصر آنروز هم جلسه خصوصی منعقد شد درصورتیکه بنده خبر نداشتم و در بیرون شنیدم که یك جلسه خصوصی شده بود حتی از ادارهٔ مباشرت هم تحقیق کردم گفتند خبر نداریم بعد درخارج بعضی ازرفقا از بنده ایراد گرفته بودند که عده آنروز برای رأی گرفتن کافی نبود شما چرا حاضر نشدید در صورتیکه از این قبیل خیلی از آقایان بودند که حاضر نشده بودند واز این جهة تقاضا می‌کنم که وقتی اینقسم جلسات میشود خبر بدهند اگرچه بنده بکلی منکر جلسات خصوصی هستم

رئیس - مجلس خصوصی روز جمعه که اهمیتی نداشت تااینکه خبر بکنند و آقایان مجبور بحاضر شدن باشند و رأی لازم شده باشد بلکه بطور فوق العاده و بمناسبت اینکه روز جمعه اغلب آقایان از برای روضه حاضر می‌شده‌اند اطلاع داده شد و حاضر شدند ولی رأی گرفته نشد که غیبت سرکار مضر بوده باشد وطرف مؤاخذه واقع شوید درباب جلسات خصوصی هم ترتیباتی بموجب نظام نامه داریم که باید بآن ترتیب عمل کنیم .

کاشف — بدبختانه یاخوشبختانه یك مسئولیت بزرگی را در عهده داریم که خودم را مجبور می‌بینم که هروقت که یکی از نکات قانونی نقض می‌شود عرض و اظهار بکنم بموجب کاغذهائی که از خراسان رسیده است در (۲۰) ماه گذشته یك اغتشاشی در اینجا شده است و در غره محرم یك تلگرافات مفصلی شده است بتوسط وکلاء بمجلس مقدس ووزراء لکن آن تلگرافات بوکلای خراسان نرسیده است تاشب عاشورا که وزیر پست و تلگراف به‌مجلس آمدند یك موادی بمانشان دادند درصورتی که مانمایندگان خراسان ابداً ازآن تلگرافات خبر نداشتیم وچون این یك مسئولیت بزرگی است وبه ما ایراد کردند که چرا جواب این تلگرافات را ندادید [حالا اینکار ازقصور ادارهٔ پست و تلگراف یاوزیر پست و تلگراف شده است در موقع خودش سئوال یااستیضاح خواهدشد که چرا تلگرافات نباید برسد] چیزی که لازم می‌دانم عرض کنم کنمایندگان محترم مسبوق باشند اینست که جوابی از طرف مجلس مخابره شده است تلگرافات آنها راجع به اظهار تنفر ازحرکات اجانب بوده است ولی تلگرافی که از اینجا در جواب آنها مخابره شده است بامضاء مجلس بوده است می‌خواستم عرض کنم که آن تلگراف بامضاء مجلس نبوده ومجلس ازآن خبری ندارد و اگر بامضاء مجلس بود بنده که یکی از نمایندگان هستم اطلاع ندارم .

رئیس — تلگرافی که فرمودید بامضاء مجلس بوده است از طرف مجلس همچو تلگرافی مخابره نشده است .

کاشف - خودوزیر پست وتلگراف فرمودند بامضاء مجلس بوده است .

استیضاح نامه آقای دکتر امیرخان بعبارت ذیل قرائت شد :

مقام منیع ریاست مجلس شورای ملی درموقع یك کاسه کردن قروض دولت ببانك روس یك ماده از امتیازنامه راتغییر داده اند . بنده در اینخصوص از جناب وزیر مالیه استیضاح میخواهم مستدعی است بوزیر مالیه اطلاع داده شود که برای جواب حاضر شوند .

شروع بشوردربقیه قانون دیوان محاسبات شد .

ماده (۷۱) لایحه وزیر - این تجدید نظر درمحکمه که ابتداءدرآنجا محاکمه واقع شده مجری نخواهد شد .

کمیسیون این ماده راحذف کرده بود .

حاج سید ابراهیم — خوبست آقای مخبر کمیسیون توضیح بدهند که جهت حذف این ماده چه چیز است .

فهیم الملك - تجدید نظریکه میشود لازم نیست که درمحکمه دیگر بشود باید همان محکمه‌ای که ابتداء در آن خصوص رسیدگی کرده است مجدداً رسیدگی بکند وآن اشتباهات رارفع بکند و الا اینکه نباید درآن محکمه بشود اصطلاحاتی است که راجع باستیناف وتمیز است وچون این ماده را بماده دیگر رجوع کرده بود از اینجهت حذف شد

رئیس — دیگر ملاحظاتی در این ماده نیست - رأی میگیریم کسانیکه باراپورت کمیسیون موافق هستند یعنی حذف ماده (۷۱) را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند وماده (۷۱) حذف شد .

ماده (۷۲) لایحه وزیر - درموقع ومدت معینه ماده (۷۰) تجدید نظر ممکن است از طرف خود محکمه یا مدعی العموم خواسته شود .

کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود .

ماده (۷۳) - درموقع ومدت معینه درماده (۷۲) تجدید نظر ممکن است نظر بخواهش دیوان محاسبات یا مدعی العموم وقوع یابد و دراینصورت درموقع مذاکرات صاحب جمع یاوکیلش باید حضور داشته باشد .

رئیس — دیگر ملاحظاتی در این ماده هست - پس رای می‌گیریم کسانیکه موافقند باماده (۷۳) بطریقی که کمیسیون پیشنهاد کرده است قیام نمایند .

(اغلب قیام کردند وتصویب شد)

ماده (۷۳) لایحه وزیر - تجدید نظر منتج اثری نیست مگر نسبت بقسمتی از حسابها که غلط باشد و در توضیحاتی که نتیجه این عمل است .

کمیسیون اینطور تصویب کرده بود :

ماده (۷۴) - تجدید نظر فقط نسبت بقسمتی از حساب غلط باشد وتصحیحاتی که نتیجه این عمل است منتج اثر خواهد بوده .

حاج سید ابراهیم - چون یکی ازصورتهائی که تجدید نظر درآنمورد لازم میشود این است که ممکن است بعضی اسناد ازصاحب جمع درموقع محاسبه دسترسی بآن نباشد و بعد بدست آید دراینصورت اگر این عبارت وحساب غلط باشد شامل آن نمیشود این عبارت شامل این میشود که یك قسمتی ازحساب را محاسبین طور دیگر نوشته باشند وآنوقت معلوم شود که بایستی تجدید نظر نمایند ولکن درصورتی که راجع باسناد باشد این عبارت شامل آن نمیشود خوب است یك عبارتی را بنویسند که شامل آنهم بشود

حاج شیخ اسدالله — چون برای موردیکه تجدید نظر لازم میشود صوری رافرض کردند مثل اینکه از صاحب جمع سندی مفقود شده باشد وبعد پیدا بکند و همینطور صور دیگرهم بود که درست نظرم نیست حالا دراین موارد نمیتوان گفت حساب غلط است بواسطه اینکه حساب صحیح واقع شده و رسیدگی کرده‌اند خوبست یك عبارتی رابنویسند که شامل آن بشود .

فهیم الملك — میشود یك عبارتی را اینجا گذاشت باین طور که نسبت بقسمتی از حساب که غلط باشد یا راجع بفقراتی که درماده [۱۲] ذکر شده است .

حاج سید ابراهیم — خوبست است این طور نوشته شود که نسبت بقسمتی ازحساب که ازقلم افتاده باشد یاسهو ویاغلط باشد - تااینکه شامل صورتهای دیگرهم بشود .

بهجت — بنده میخواهم عرض کنم که اصلا وجود این ماده دراینجا بهیچوجه لازم نیست بجهت اینکه ازاین ماده اینطور فهمیده میشود که اگر دوقسمت از حساب باشد و دریك قسمت آن تجدید نظر لازم شود آن تجدید نسبت بقسمت دیگر منتج نخواهد بود این معلوم است وهیچ لازم نیست که یك ماده بجهت آن نوشت واگر مقصود چیز دیگر است که این ماده شامل آن نمیشود ازاینجهة تصور می کنم که خوبست این ماده بکلی حذف شود .

فهیم الملك — وجه لزومش این است که اگر یك صاحب جمع حسابش را رسیدند وحکم دادند بعد راجع بیك قسمت درحساب ایرادی وارد شد که لازم بود تجدید نظر بشود شخص محکوم نمیتواند بگوید که چون دریك قسمت ازاین صاحب تجدید نظر لازم شده پس تمام آن غلط است این برای این است که در یك چنین موردی بآن محکوم بگویند که شما در یك قسمت حکمی که شده است ایرادی دارید و باید تجدید نظر بشود ولی درسایر قسمت های آن محکوم هستید وباید حکم دیوان محاسبات درآنخصوص اجرا بشود .

پیشنهادی ازآقا شیخ ابراهیم زنجانی بعبارت ذیل قرائت شد :

اصلاح این ماده بدین طریق شود — بقسمتی از حساب که بخلاف واقع شده و تصحیحاتی که الی آخر ماده .

فهیم الملك — اینطور هم اگر نوشته شود بد نیست - بقسمتهائی که موافق ماده (۷۲) مورد ایراد شده باشد تاآخر ماده .

ماده مزبور با اصلاح ذیل قرائت شد .

تجدید نظر فقط نسبت بقسمتهائی که موافق ماده [۷۲] مورد ایراد شده باشد تصحیحاتیکه نتیجه این عمل است منتج اثر خواهد بود .

رئیس — رأی می گیریم برماده (۷۴) بطریقی که اصلاح شده وقرائت شد .

کسانی که موافقند قیام نمایند (اغلب قیام کردند وتصویب شد) .

کمیسیون یك ماده به عبارت ذیل الحاق کرده بود :

ماده (۷۵) — بعد از تقاضای تجدید نظر اولا دیوان محاسبات پس از اصغاء عقیدهٔ مدعی العموم مشورت کرده در باب قبول یا ردآن حکم می‌دهد ثانیاً درصورت قبول مجدداً بحساب رسیدگی کرده حکم قطعی را صادر می‌نماید .

رئیس - ملاحظاتی در این ماده است - کسانی که ماده (۷۵) الحاقی کمیسیون را بطریقی که پیشنهاد کرده است و قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند .

[اغلب قیام نمودند وتصویب شد] .

ماده [۷۴] لایحه وزیر - احکام دیوان محاسبات باید برای اجرا بتوسط مدعی العموم بوزارت خانه متبوعه صاحب جمع تبلیغ شود .

کمیسیون عین پیشنهاد وزیر را بعنوان ماده (۷۶) تصویب کرده بود .

رئیس — کمیسیون عین پیشنهاد وزیر را تصویب کرده است ملاحظاتی در این خصوص هست [اظهاری نشد] پس رأی می گیریم کسانی که با پیشنهاد کمیسیون موافقند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد) .

ماده (۷۵) لایحه وزیر — برای اجرای احکام دیوان محاسبات قواعد و وسائط و اصولی که قانون اخذ مالیات مستقیم تصریح خواهد کرد معمول خواهد بود .

رئیس — دراین ماده ملاحظاتی هست .

آقا میرزا ابراهیم قمی - قواعد مرجعیت را توضیح بدهند .

افتخار الواعظین — چونکه یك پولی فرض بفرمائید که پیش یك صاحب جمع مانده است وبعد از رسیدگی و تحقیق معلوم شد که آن پول را باید از صاحب جمع گرفت در اینجا طریقه گرفتن آن پول را از آن مباشر معین کرده اند که اینطور باید گرفته شود بنده این را نمی فهمم خوبست آقای فهیم الملك دراین خصوص توضیح بدهند

حاج شیخعلی — این جا فقط مختص کرده است بقواعد و قوانین اخذ مالیات مستقیم درصورتی که بسا صاحب جمع ها هستند که بر آنها جمع می‌شود یا غیر آنها و حال این که آنها داخل در مالیات مستقیم نمی‌شوند واز مالیات مستقیم محسوب می‌شوند خوبست آقای فهیم الملك در این خصوص توضیح بدهند .

فهیم الملك — عرض می‌شود که آقایان می‌خواهند یك شرح اصول مالیات مستقیمی این جا داده شود تا ملتفت شوند این ها چیزی است که باید در خارج مذاکره شود بنده در خارج هستم آقایان هر کدام سئوالاتی دارند تشریف بیاورند بفرمایند تا این که جواب ایشان را عرض کنم والا حالا مقتضی نیست درضمن شور مواد آنهم درصورتی که شور اول شده است وحالا شور دویم است این مذاکرات بشود .

رئیس - دیگر ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد) پس رأی می گیریم کسانی که موافقند با راپورت کمیسیون قیام نمایند [اغلب قیام نمودند و تصویب شد]

ماده (۷۶) لایحه وزیر - تأویل وتفسیر احکام دیوان محاسبات باخود دیوان محاسبات است . کمیسیون عین پیشنهاد وزیر را بعنوان ماده (۷۸) تصویب کرده بود .

رئیس — ملاحظاتی در این ماده هست [اظهاری نشد] رأی می گیریم کسانیکه باراپورت کمیسیون که عین پیشنهاد وزیر را تصویب کرده است موافقند قیام نمایند [اغلب قیام کردند و تصویب شد]

فصل هفتم لایحه وزیر - در طرز محاکمات و تصفیه اختلافات - قسمت اول در مسائل کلی

ماده (۷۷)- محاکمه محاسبات برچند قسم است (۱) ابتدائی (۲) استیناف بطور تجدید نظر [۳] استیناف بطور تمرد وابطال حکم . کمیسیون این طور پیشنهاد کرده بود: بند سوم دراصول محاکمات فصل اول در مسائل کلیه .

ماده [۷۹]- محاکمه دیوان محاسبات بدو طریق است اولا طریق معمولی که عبارت از محاکمات ابتدائی بدون استیناف است ثانیاً طریق فوق العاده که عبارت ازمحاکمه بطور تجدید نظر است ودرفقره ثانیه ماده (۶۹) ذکر شده .

حاج سید ابراهیم — در آنجائی که بیان کردیم که دیوان محاسبات احکامش نقض می‌شود مذاکره شد ورأی داده شد باین که بازبر گردد بدیوان محاسبات و مجدداً درمجلس عمومی رسیدگی کرده حکم قطعی صادر شود در این صورت محاکمات دیوان محاسبات سه قسم می‌شود یکی ابتدائی یکی بطور تجدید نظر و یکی بطور نقض حکم که همان طور که گفته شد باز در مجلس عمومی رسیدگی شده حکم قطعی اخیر داده می‌شود پس در این صورت این رابطور تجدید نظر ویك قسم قرار دادن بعقیده بنده صحیح نیست خوبست همان طور که عرض کردم بنویسند که محاکمات بسه طریق است .

فهیم الملك — آن محاکمه سیم را هم که تصور می‌فرمائید آنهم ابتدائی است نقض حکم نیست برای این که نقض حکم در جای دیگر می‌شود .

حاج عز الممالك - بنده هم باآقای مخبر همرا هم و عرض می کنم که نقض حکم در دیوان محاسبات نمی‌شود .

حاج سیدابراهیم - ماده (۷۱) می‌نویسد درصورتی که حکم‌دیوان محاسبات نقض شودمجدداً در مجلس عمومی رسیدگی و محاکمه بعمل آمده و حکم قطعی اخیر صادر می شود مجلس عمومی یعنی مجلس عمومی دیوان محاسبات نه یك مجلس عمومی .

رئیس - دیگر ملاحظاتی نیست (گفته‌شدمحاکمه دیوان‌محاسبات خوب‌نیست محاکمات‌دیوان محاسبات نوشته شود)

رئیس - رای‌می گیریم‌بر ماده (۷۹) راپورت کمیسیون با این جزئی اصلاح که گفته شد کسانیکه تصویب می کنند قیام نمایند [اغلب قیام کردند و تصویب شد]

ماده (۷۸) لایحه وزیر - در عرضحال هائی که بدیوان محاسبات داده می‌شود باید اسم شخص واسم طایفه ومنزل‌وشرح ادعا ومدعابه‌واسناد راجعه بدلایل صحت ادعاوتاریخ‌نوشته شود. کمیسیون‌این طور پیشنهاد کرده بود :

ماده(۸۰) - در عرضحالی که بدیوان‌محاسبات داده می‌شود باید اسم شخص و اسم پدر و اسم طایفه ذکر شده باشند و منزل و شغل و شرح ادعا و مدعابه و شرح دلایل و تعیین اسناد راجعه بصحت ادعا و تاریخ قید شود .

آقامیرزاابراهیم — اینماده جزء نظامنامه داخلی است درقانون دیوان‌محاسبات نبایدنوشته شود

وکیل‌التجار — دیوان محاسبات نمیدانم چه شکایت است که میشود تا اینکه بنویسند باید در عرضحال شرح ادعاومدعابه نوشته شود آنجافقط‌شکایت ازحسابهائی میشود که‌سهوشده باشد والاگمان‌میکنم که ادعا های دیگری آنجا بشود تا اینکه‌در آنجا ادعاها طرح‌شود ورسیدگی نمایند فقط حسابهائی که راجع است بدیوان‌محاسبات مثل اینکه با اینکه یك صاحب‌جمعی کسر داشته‌باشدیادرحساب‌او کم‌رسیدگی کرده اند سهوی و اشتباهی شده باشد از این قبیل چیزها در دیوان محاسبات رسیدگی میشودواین دیگر لازم ندارد - که یکماده باینطور در خصوص آن ما در اینجا بنویسیم.

فهیم‌الملك — همین‌طوریکه میفرمائید هر صاحب‌جمعی که درحساب اوسهو یا اشتباهی‌شده‌باشد یا اینکه‌اسنادی بدست آورده باشد عریضه میدهد که‌درحساب‌من اشتباه شده وفلان‌مقدار زیادنوشته شده است دراین عریضه باید این ترتیبات که در این ماده نوشته‌شده است قیدبشود.

رئیس — دیگر ملاحظاتی در اینماده نیست؟ (اظهاری‌نشد) پس‌رای‌میگیریم کسانی که‌موافقندباماده (۸۰) بطریقی که کمیسیون پیشنهاد کرده است قیام نمایند(اغلب‌قیام کردندو باکثریت تصویب‌شد.)

ماده (۷۹) لایحه‌وزیر بعبارت ذیل‌قرائت‌شد :

احکامی که ازمحاکم صادر میشود بردو قسم است احکام مقدماتی وقطعی- احکام مقدماتی در موقعی صادر میشود که‌صحت وسقم مطلبی‌واضح نباشدواز برای کشف حقیقت دیوان محاسبات محتاج بتهیه واقدام بعضی مقدمات باشدولذا محکمه حکم صادر کند که آن‌محاکمه باید مسکوت‌عنه بماند احکام صادره‌ازمحکمه ابتدائی ویا احکامی که‌پس‌ازتجدید نظر صادر می‌شود ممکن است بموجب ماده (٦٤) طرف اعتراض واقع گردد .

این ماده در پیشنهاد کمیسیون‌ماده (۸۱) قرار داده شده‌بود و باینطور اصلاح شده بود .

ماده(۸۱)-احکام‌دیوان‌محاسبات‌بردوقسم‌است‌مقدماتی وقطعی احکام قطعی آنستکه در باره حساب صاحب جمع ودر اصل مطلب صادرشده وعمل راختم‌میکند احکام مقدماتی آن‌است که‌قبل ازصدور حکم‌قطعی صادر ومقدمتاًامر ببعضی اقدامات میکند چه‌از بابت فوریت موقع وچه ازبابت تحصیل بعضی اطلاعات برای پیشرفت کارولی عمل‌رسیدگی بحساب‌بموجب این‌احکام ختم‌نمیشود .

حاج سیدابراهیم- دراین ماده بیان‌میکند که‌احکام دیوان محاسبات قطعی است در ماده بعد میگوید که‌بر احکام قطعی میتوان اعتراض کرد ما اگررای بدهیم که‌احکام‌دیوان محاسبات‌قطعی‌است وبعدبگوئیم که‌براحکام قطعی‌میتوان اعتراض کرداین یك‌عبارت‌لغوی‌است‌بجهة اینکه‌حکم‌قطعی‌آن‌است که نشودبآن‌اعتراض کردمعنای‌قطعی‌این‌است‌حالا که‌غرض ما حکمی است که بعد ممکن است به‌آن اعتراض کرد باید گفت احکام اولیه واحکام قطعیه که آن حکمی که اعتراض بردار نیست اورا بگوئیم حکم قطعی است ودیگراینکه در احکام مقدماتی‌میگوید احکام مقدماتی آن‌است که قبل از صدورحکم‌قطعی صادر می‌شود و مقدمتاًامر ببعضی اقدامات می کند این غیرازاین است که حکم می کند براینکه فلان کس فلان‌قدر بده کار است یافلان قدر باید بدهد اینطور حکم‌رامیشوداعتراض کرد این‌حکم‌مقدماتی است وحکم قطعی‌رانمی‌توان اعتراض کرد آنجائی که حکم نسخ بردارنیست‌آنرا حکم‌قطعی‌میگویند وامر باجرای آن‌می‌شودآنجائی که حکم نسخ‌بردار است وتجدید نظر درآن می شود آن‌را باید گفت که تجدید نظردرآن میشود وآنرا حکم‌با احکام اولیه باید نامید والا باحکام قطعیه اعتراض متوجه نمی شود .

فهیم الملك - استیناف در محاکم فرضاً محاکم عدلیه راجع‌باحکام موقتی خواهدبودیاراجع باحکام‌قطعی‌است‌البته‌استیناف‌راجع باحکام‌قطعی‌خواهد بود تاحکم‌قطعی صادر نشود هیچوقت‌مورداعتراض نخواهد شد و کلیه باحکام مقدماتی نمی توان اعتراض کرد احکام‌قطعی‌بایدصادرشود تااینکه‌مورد اعتراض‌شودوالادراحکام‌مقدماتی‌جزبقرینه حکم‌نمی شود ودرآنجانمیتواند اعتراض بکندفرض بفرمائید یك شخص بدهکار است وارد میشود بعدلیه قبل از اینکه عمل آنها ختم شود محکمه حکم می کند که بده کار یك مبلغ جزئی بدهد بطرف اگر چه مطلب ختم نشده است ولی محکمه حس میکند که این شخص یك مبلغی بده‌کار است حالاتمام‌آن‌وجه را غیر یك مقداری که‌قدر متیقن است حکم‌میکند که بطرف بدهد مسلم است نباید بقدری بدهد که مدعی ادعا می کند مثلادر صد تومان ادعا حکم می کند ده تومان بطرف بده در اینصورت محکوم می‌تواند اعتراض بکند باین حکم وبگوید این‌است که شما می گوئید ده تومان بطرف بده معلوم می‌شود محکومیت من در نظر شما ثابت است در صورتیکه محکومیت من ثابت نشده و من خود را محکوم نمیدانم حالا این را حکم مقدماتی نباید بدانیم بجهت اینکه تقریباً داخل در اصل طلب‌شده است‌والا هیچوقت حکم‌مقدماتی طرف‌اعتراض‌واقع نخواهد شد.

مشیرالدوله - می‌خواستم عرض‌بکنم که‌در شور اول هم گفته شد حالا هم لازم است گفته‌شود احکام مقدماتی و قطعی فی‌الواقع اسباب اشکال‌است و این توضیحی‌هم که آقای مخبر دادند صحیح‌است نظر ایشان باحکام قطعی‌است‌ولی‌احکام‌قطعی‌درعدلیه هیچوقت‌گفته نمیشود گفته می‌شود قرار های‌قطعی باینطور که‌وقتی‌مدعی ومدعی‌علیه‌رجوع‌بمحکمه کردند قبل‌ازاینکه‌محکمه‌حکمی‌بدهدقرارمیگذارید که‌تصدیق مصدقین هرطورشد بآن عمل نمایند یااینکه‌رجوع کنند بمحضر شرع یا اینکه مثلا از محل تحقیقات محلی بشود اینها قرار است وبالاخره حکمی راکه صادر می‌شود که بموجب تحقیق ازمحل یا تصدیق از مصدقین فلان قسم قرار شد آنرا قرار قطعی می‌نامند وبنده عقیده‌ام این‌است که دراینجا هم‌قرار قطعی‌بگوئیم نه‌حکم مقدماتی دیگر محتاج‌بتوضیح هم نخواهد بود بجهة اینکه درعدلیه حکم‌غیرقطعی آنستکه‌استیناف درآن‌بشود اماوقتی که حکم‌صادر شد یك مدتی معین است که درآن مدت محکوم میتواناستیناف بخواهد مادام‌که آن مدت نگذشته آنحکم‌را قطعی نمی گویند وقتی که آنمدت گذشت آن حکم قطعی می‌شود بجهة اینکه استیناف‌بردار نیست حکم قطعی را باید یا تمیز بدهند یا بطور فوق‌العاده رسیدگی کند حالا بنده پیشنهادمی کنم درآخربجهة اینکه ذهن‌مشو نشود بنویسنداحکام مقدماتی را قرار خواهند نامید که معلوم باشدحکم نیست قرار است .

فهیم‌الملك - مقصود این است که همان اصطلاحاتی که درعدلیه است درآنجا هم باشدآن اصطلاحات بهتر مسوق میکند باین جهة بجای احکام قرار مقدماتی بنویسند .

مشیرالدوله - همینقدر بنویسند احکام دیوان محاسبات بردو قسم است احکام مقدماتی واحکام قطعی بعد تعریف میکند مقدماتی آنست که قبل ازصدور حکم قطعی صادر شود .

آقاشیخ ابراهیم زنجانی — بعقیده من لفظ احکام هیچ صحیح‌نیست قرار باید گفت‌چنانچه درعدلیه‌هم هست بعقیده بنده دراینجا قراربنویسیم بهتراست بجهة اینکه چهار قرار دراصطلاح‌عدلیه است قرار اعدادی قرار موقتی قرار قرینه قرار قطعی دوقرار آن استیناف بردار نیست دوقسم‌آن استیناف‌بردار است دراینصورت‌قرار اصطلاح کردن بهتر از آنستکه احکام را اصطلاح قرار بدهند و درآخر بگویندکه احکام همان قراراست قرارهای دیوان محاسبات هم همین قسم چهار قرار است‌قرار مقدماتی وقرار اعدادی و قرار قرینهٔ و قرار قطعی دوقرار اولی‌قابل استیناف ودوقرار آخری‌استیناف بردار نیست .

فهیم‌الملك - ضرر ندارد واگر در عدلیه اینطور معمول است بجای احکام قرار نوشته شود

آقاشیخ ابراهیم زنجانی - درشور اول‌هم بنده این را اینجاعرض کردم‌اصطلاح را که‌مخلوط می‌کنیم این اسباب اشکال میشود قرار غیرازحکم است قرار این است که مثلا هرگاه باشکالی برخوردند قرار دهند که بعد از یك ماه‌رسیدگی کنند برای‌اینکه بعضی اسنادبرسد این قرارموقتی است این حکم نیست قرار اعدادی این است که می‌گویند این مسئله بماند تافلان آدم بیاید هرچه او گفت بهمان عمل میکنیم اینهم حکم نیست قرار اعدادی است یعنی مهیا می کنند کار را برای حکم قرار قرینه آن است که می‌گویند هرچه در این دفتر نوشته بود هر دو ملتزم هستیم بآن عمل نمائیم این را قرار قرینه می گویند یعنی این قراری استکه قرینه حکم آخری میشود حالا آن دو قرار استیناف بردار است و اینقرار قرینه و قرار قطعی استیناف بردار نیست و قابل اعتراض و تجدیدنظر است حکم هم همانست یعنی حکم قطعی که قابل تجدید نظر و اعتراض نیست والا آنها که قابل تجدید نظر است واعتراض‌است چنانچه گفته شد قرار است دیگر این اشکالی‌ندارد

فهیم‌الملك - بنده در اینجا به‌یك ملاحظه آن اصطلاح آقای مشیر الدوله را ترجیح می‌دهم برای اینکه حکم از ابتدائی که صادر شد قابل اجراست و قرار قطعی عدلیه قابل اجرا نیست پس باید همین طور دفت‌احکام اولی واحکام ثانوی‌بجهة اینکه حکم دیوان محاسبات از ابتداء مثل حکم قطعی است باید گفت احکام مقدماتی واحکام قطعی

مشیرالدوله — همینقدر در اینجا زیاد بکنند که احکام مقدماتی عبارت از قراری است که قبل‌از صدور حکم قطعی صادر ومقدمتاًامر ببعضی اقدامات نمی کند .

(عبارت باینطور اصلاح شده و قرائت شد)

احکام‌دیوان محاسبات بردوقسم است مقدماتی وقطعی- احکام‌قطعی آنستکه در باره حساب صاحب جمع ودراصل مطلب صادر و عمل را ختم میکند احکام مقدماتی عبارت از قرارهائی است که قبل از صدورحکم قطعی صادر ومقدمتاًامر ببعضی اقدامات میکند چه‌از بابت فوریت موقع وچه‌درباب تحصیل بعضی‌اطلاعات‌بجهة پیشرفت‌کارولی‌عمل‌رسیدگی‌بحساب بموجب این قرارها ختم نمی‌شود .

رئیس — رای‌میگیریم‌برماده(۸۱)بطریقی که اصلاح‌شده وخوانده‌شد کسانیکه تصویب‌میکنند قیام نمایند (باکثریت تصویب شد)

ماده (۸۲) که کمیسیون بطور ماده الحاقیه اضافه نموده بطوریکه ذیلانوشته‌میشود قرائت‌شد: احکام مقدماتی یا موقتی است یا اعدادی یا قرینه احکام موقتی نظر بفوریت موقع موقتاً قراری شد تا در موقع صدورحکم قرار قطعی آن داده شود احکام اعدادی آن است که برای تکمیل رسیدگی حساب حکم ببعضی اقدامات می نماید بدون اینکه در اصل مطلب داخل شود احکام قرینه آن است که مقدمتاًحکم‌ببعضی اقدامات‌می نماید ولی‌بادخالت در اصل مطلب‌احکام موقتی واعدادیرا چون‌مربوط باصل مطلب نیست نمی توان استدعای نقض کرد مگر پس از صدور حکم قطعی ولی احکام قرینهٔ را چون مربوط باصل مطلب است قبل از صدور حکم قطعی می‌توان رجوع بنقض کرد .

فهیم‌الملك — حالا در این ماده تمام الفاظ احکام را باید تبدیل بلفظ قرار کرد .

حاج آقا — تصورمی کنم‌اینکه آقای‌مخبر فرمودند که‌لفظ احکام‌تبدیل بقرار شودمحتاج‌باشیم بجهة‌اینکه مابجهة‌مساعدت باصطلاح گفتیم که احکام مقدماتی عبارت‌است ازقرارداد وعنوانش را باحکام کردیم‌درآنجا گفتیم که احکام موقتی این است که نظربفوریت موقع یك قراری میدهند ودر هر حال حکم است هیچ لازم نیست که تغییر بدهید ماده را وماده تمام است خوب است رای گرفته شود .

مشیرالدوله — همینطوریکه کمیسیون نوشته است صحیح است ولی بازخوب واضح نوشته است مینویسد احکام قرینه آن استکه مقدمتاً حکم ببعضی اقدامات‌مینماید ولی با دخالت دراصل مطلب این عبارت مقصود را درست نمیرساند باید نوشت احکام قرینه قرارهائی استکه برای تهیه زمینه‌حکم داده میشود بطوریکه ازاو نتیجه حکم را میتوان استنباط کرد .

بنده پیشنهاد میکنم که‌بترتیبیکه بنده پیشنهاد میکنم اصلاح شود.

(پیشنهاد مشیرالدوله بعبارت ذیل قرائت‌شد)

احکام قرینه‌قراری است که‌برای‌تهیه زمینه‌حکم میشود بطوریکه نتیجه حکم را میتوان ازآن‌استنباط کرد .

حاج آقا — اصل مطلب در احکام قرینه واضح است اینطور است که آقای مشیرالدوله درپیشنهاد خودشان خواسته اند توضیح بدهند یك نحو استنباطی است میتوان ازاصل حکم کرد که ممکن است قبل ازاینکه حکم قطعی را صادر کند یك حکمی‌مقدمتاً میکنند که‌آنحکم مربوط باصل دعوی است که میتواند نتیجه ازآن بدست بیاید ولی چیزی که عرض بنده بود این بود که این عبارت قدری واضح تر شود و با این ترتیب قدری مبهم تر میشود بواسطه اینکه عبارت نوشته شده‌برای تهیه زمینه حکم‌وحال‌اینکه خیلی اراحکام قرینه است که از برای بدست آوردن زمینه حکم نیست یك‌حکمی موقتاً میکنند و از روی‌آن معلوم میشودومیتوان بدست آورد که‌طرف مقابل‌محکوم میشود مثلابعداز مدتی گفتگو که درمحکمه‌می‌شود محکمه حکم میکند که‌یك‌مقدار کمتری‌از مبلغی که مدعابه است مدعی علیه بمدعی بدهداینحکم‌بتمام دعوی نیست‌ولی مربوط است باصل دعوی ودراین حکم‌میتوان استنباط کرد که مدعی علیه محکوم خواهد بود اگر چه بتمام مدعابه نباشد قدر متیقن این‌است که‌مدعی علیه محکوم خو هد شدو بدیهی است که این‌حکم برای زمینه گیری نیست بنده عقیده‌ام این‌است که‌اگر آن‌عبارت‌تهیه زمینه راحذف کنند همینقدر نوشته شود که‌احکام قرینهٔ‌احکامی‌است که از روی آن میتوان استنباط اصل حکم را کرد .

مشیر الدوله — در یك محکمه‌ای که در ماهیت کار رسیدگی میکنند احکام قرینه‌ای ممکن نیست که‌ربطی باصل مطلب نداشته باشد اینکه‌بنده عرض کردم تهیه کند زمینه حکم راغرضم‌این‌است که بفهماند دخالتش بچه نقطه است باینجهة‌پیشنهاد کردم که‌نوشته شود احکام قرینه آن است که تهیه کندزمینه حکم‌را حالا حاجی‌آقامیفرمایند که‌این مبهم است بنده عرض می کنم خیلی‌واضح است‌بجهة این که قرار قرینه معین است‌چه قراری است مثلا بنده یامدعی دارم یامدعی هستم ومدعی علیه دارم حاضر میشویم بمحکمه ودر آنجا قرارمیدهیم که مصدقین بروندتحقیقات محلی بنمایند هر چه بعداز تحقیقات تصدیق کردند همان زمینه حکم محکمه باشد این قرار راکه در محکمه گذاشتیم فوراً یك‌نفر استنباط کرد که‌هرچه‌آنها تصدیق بکنند زمینه برای حکم‌محکمه میشودفی‌الواقع تهیه‌میکند زمینه برای حکم محکمه ودر احکام اعدادی‌زمینه نمیشود بجهة این که مثلا میگویند که‌یك ماه‌توقف باشد این‌محاکمه تااین که بعضی‌نوشتجات مثلابرسد لکن مجبور نمی کند محکمه‌را که‌ازروی آن‌حکم بدهد وزمینه برای‌حکم نمیشودولی‌در احکام‌قرینه مجبور هستند باین که حکماً زمینه قرار بدهند یااینکه رجوع بمحضر شرع‌می کنند احکام محضر شرع‌را بایداجرا نمایند یعنی مطابق‌حکم شرع‌باید حکم بدهدپس‌حکم‌شرع که‌قراری‌است که درمحکمه میدهند که‌بمحضرشرع رجوع نمایند یاقراری که میدهند که‌هرچه مصدقین تصدیق کردندعمل کنند این زمینه نمی‌شودبرای حکم‌محکمه پس‌احکام‌قرینه همیشه تهیه می کند زمینه رابرای‌حکم محکمه .

حاج آقا- بنده انکارنکردم‌ام که‌ممکن‌است احکام قرینه زمینه‌بشود یه ی‌یك‌وقت زمینه بشودبرای حکم قطعی‌محکمه وممکن هم‌هست که احکام‌قرینه ابدآتهیه‌زمینه‌حکم برای‌محکمه بکنند امثالی که‌آقای مشیرالدوله‌فرمودند میتوانیم‌جزءاحکام‌اعدادی‌تحدید بکنیم شاهدبراین‌مطلب‌این‌که مامیتوانیم حکم‌قرینه رااعتراض بکنیم وطلب‌نقض‌بکنیم‌ولی‌حکم اعدادی قابل نقض واعتراض‌نیست‌مثلا اینکه فرمودندکه‌قرار بدهند که‌مصدقین بروند تحقیقات در محل نموده‌هر چه‌تصدیق کردندعمل کنندا‌ین‌دیگرقابل‌اعتراض‌نیست تهیه زمینه حکم نمی کند و استنباط نمی‌شودکه مدعی یا مدعی‌علیه کدام محکوم خواهند شدبجهة اینکه معلوم نیست که تصدیق آن مصدقین برعلیه کدام خواهد بود باینجهة می‌توان گفت مثالی که زدند از برای احکام اعدادی خواهد بود و احکام قرینه همین طوریکه عرض کردم می‌توان نتیجه کلی حکم را از آن استنباط کرد و این مثالی را که میخواهم بزنم صور می کنم خوب مثالی است‌فرض بفرمائید که دولت ما مدعی العموم است بیك نفر صاحب جمع که صدهزار تومان ادعا دارد که این مبلغ مالیات پیش او مانده است در محکمه دیوان محاسبات‌مشغول‌محاکمه میشوند قبل ازاتمام‌محاکمه محکمه‌حکم کرد که‌فلان‌ملك‌صاحب‌جمع که‌پنجهزاریا ده هزار تومان قیمت داردآنرا دولت‌تصرف نماید این حکم را نکرده‌است که‌صدهزار تومان که‌دولت

یا مدعی العموم مطالبه میکند صحیح است ولی اجمالا حکم کرده است که ادعای مدعی تا یك درجه صحیح است و از این میشود استنباط کرد که مدعی علیه محکوم خواهد بود و برمحکمه ثابت شده است که یك چیزی بر ذمه مدعی علیه است که آن صاحب جمع باشد و ازاین راه محکمه حکم بتصرف آن ملك کرده است و این حکم قابل اعتراض هست و اگر آن صاحب جمع اعتراض بکند یا تقاضای نقض بکند می تواند این نمره از احکام قرینهٔ ابداً زمینه برای حکم آتیه محکمه خواهد بود بلکه همان استنباط اجمالی است که محکمه کرده است و گمان می کنم اگر لفظ تهیه را بیندازیم شامل تمام افراد شود.

وکیل التجار — بنده گمان می کنم اقلا عبارتیکه اینجا استعمال میشود استعمال یك چیز مستعملی است که بآن در عدلیه عمل شده است و معمول می شود و معین است احکام قرینه بنظر بنده اینطور میآید یعنی قرینه حکم قطعی و قرینه حکم قطعی هم همانطور است که آقای مشیرالدوله فرمودند و اینکه حاجی آقا می گویند که اگر محکمه استنباط کند یك چیزی طرف مدیون است که باید بدهد آنوقت محکمه از روی این استنباط خودش حکم بکند یك مبلغی طرف بدهد این یك چیزی است که بنده تا بحال یك چنین حکمی ندیده ام که یك چنین حکمی از عدلیه یا از دیوان محاسبات صادر شود که یك ادعائی بیك کسی بکنند و قبل از اینکه محکمه حکم بدهد و رسیدگی محکمه تمام بشود محکمه بگوید فلان قدر علی الحساب مجالتاً طرف بدهد بمدعی تا حکم محکمه صادر شود این مسئله گمان نمی کنم تا بحال احدی بگوید واقع شده است حکم قرینه همان است که زمینه حکم قطعی را بدست میدهد مثلا وقتی که طرفین ملتزم شدند که رجوع بکنند بفلان محکمه و هرچه از آنجا حکم صادر شود عمل بکنند این مسلم است و قتیکه هر حکمی که از آن محکمه صادر شد مثلا از محکمه شرع این زمینه حکم قطعی محکمه خواهد بود که برطبق آن حکم میکند پس این میشود حکم قرینه که به موجب او میشود استنباط کرد که این مطلب دیگر تمام است و امروزه هم اصطلاح است درعدلیه و ماهم مقصودمان همان عبارت مصطلح است. (پیشنهادی ازطرف آقای آقاشیخ ابراهیم زنجانی قرائت شد.)

آقاشیخ ابراهیم زنجانی — بنده اولا عرض کردم واشکال هم رفع شد باز بعضی اظهارات میشود لازم است دومرتبه عرض کنم این الفاظ معنی خودشان را میفهمانند قرار موقتی آن است که قرار میگذارند که یکماه این محاکمه بماند که فلان آدم بیاید یافلان آدم برود تحقیقات بکند یافلان صورت حساب برسد قرار اعدادی آن است که قرار میگذارند که وامداد واعدادی برای اینکار بشود یعنی برای محاکمه کار را مهیا بکنند مثل اینکه میگویند باید بحساب سال گذشته او رسیدگی شود تا ازروی اوازحساب امسال چیزی بفهمیم این را قرار اعدادی میگویند قرینه واضح است یعنی یکقراری است که قرینه می شود که حکم ازچه قراراست مثل اینکه من میگویم که اگر فلان آدم تصدیق کرد دعوی تورا هرچه او گفت من دادنی هستم ومیدهم یااینکه هرچه در این دفتر نوشته شده است طرفین ملتزم میشوند که قبول داشته باشند وقبول میکنند معلوم است سخن آن ثالث یامکتوبات در این دفتر قرینه بجهة حکم می شود این بود که بنده آن پیشنهاد را کردم وقرار قرینه آن است که موجب آن حکم اخری میشود.

مشیرالدوله — بنده عقیده ام این است که برای این اینقدر نباید مباحثه کرد. چون مباحثهٔ علمی است ومباحثه علمی درمجلس نمیشود والابنده حاضرم درکمیسیون مدلل بکنم بحاجی آقا که قرار قرینه همان است که بنده عرض کردم به این جهة برای این که تضییع وقت مجلس نشود عرض میکنم بایدبپیشنهاد بنده یا پیشنهاد سایر آقایان رای بگیرند.

رئیس - حالا ده دقیقه تنفس میکنیم بمجلس که برگشتیم به پیشنهادها رای میگیریم.

یکربع بعداز تنفس مجدداً جلسه تشکیل شد.

(پیشنهاد آقای مشیرالدوله مجدداً قرائت شد.)

(احکام قرینه) قراری است که برای تهیه زمینه حکم میشود وبطوری است که نتیجه حکم را میشود از آن استنباط کرد.

رئیس — چون مذاکرات در این باب بقدر کفایت شد حالا رای میگیریم بر پیشنهاد آقای مشیر الدوله چنانچه قبول شد آنوقت به تمام ماده رای میگیریم.

ارباب کیخسرو - این پیشنهاد نیست اصلاح است.

فهیم الملك - دوعبارت پیشنهاد شده است ومعنی هردویکی است مقصود راپورت کمیسیون هم همین معنی است حالا ازبرای اینکه نظرات آقایان هم دراین خصوص معلوم شود رأی لازم است گرفته شود که عبارت آقای مشیر الدوله را کافی تر میدانند یاعبارت آقای آقاشیخ ابراهیم راهر کدام را کافی تر میدانند ورأی داده شد اورا در متن ماده بگذارند رأی بگیرند.

رئیس — خوب حالا پیشنهاد دیگر هم شده است میخوانند.

دو پیشنهاد ازطرف آقای آقاشیخ ابراهیم زنجانی وآقای حاج آقا بترتیب ذیل قرائت شد:

(۱) اصلاح اینماده بدینطریق شود:

بقسمتی ازحساب که بخلاف واقع شده و تصحیحاتی الخ (شیخ ابراهیم زنجانی).

(۲) احکام قرینه قراری است که درزمینه دعوی میشود ومقدمتاً حکم ببعضی اقدامات مینماید بطوری که نتیجه حکم قطعی رامیتوان ازآن استنباط نمود (حاج آقا).

رئیس - حالا رأی میگیریم اول بر پیشنهاد آقای مشیرالدوله - کسانیکه موافقند قیام نمایند.

رئیس - به اکثریت تصویب شد - پس رأی میگیریم برماده (۸۲) با این اصلاحی که شدومجلس تصویب کرد.

حاج سیدابراهیم — این فقره اخیرش که نوشته (احکام موقتی واعدادی را چون مربوط به اصل مطلب نیست نمیتوان استدعای نقض کرد مگر پس ازصدور حکم قطعی ولی احکام قرینه راچون مربوط به اصل مطلب است قبل ازصدور حکم قطعی میتوان رجوع بنقض کرد - براحکام قطعی دیوان محاسبات موافق ماده (٦٥) میتوان اعتراض کرد) این رابنده ایراد کردم وآقای مخبر هم جواب نداد واین رادر پیشنهاد وزیر بهتر نوشته است وآن این است (احکام صادره ازمحکمه ابتدائی و بااحکامی که پس از تجدید نظر صادر میشود ممکن است بموجب مادهٔ (٦٤) طرق اعتراض واقع گردد) بنده این رابهتر میدانم حالا هیچ داعی ندارد که اسم این را بگذاریم قطعی وآنرا قابل اعتراض بدانیم وآقای مخبر هم چیزی نفرمودند که توضیح شود.

فهیم الملك - این دوتقسیماتی که درپیشنهاد وزیر شده است خیلی تفاوت دارد بااین چیزی که در کمیسیون نوشته شده است که احکام اعدادی وقرینه و غیره هیچکدام قید نشده است فقط احکام قطعی است که باید طرف اعتراض واقع شود آنجا بهتر معین میکند.

رئیس — حالا رای میگیریم برماده (۸۲) باآن اصلاحی که آقای مشیرالدوله کرده بودند کسانی که موافقند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثریت تصویب شد)

پیشنهاد وزیر ماده (۸۰) — درکلیه احکام سوای آنچه درماده صدو دویم ذکر شده است باید خلاصه اسنادی که ارائه داده شده و نتیجه تحقیقات راجعهٔ بآنها و آنچه اسباب اعتبار آن اسناد است ذکر شده باشد.

پیشنهاد کمیسیون - ماده ۸۳ - دراحکام دیوان محاسبات بهاستثنای احکام مذکوره درماده (۱۰۱) باید اسنادی که ارائه شده و نتیجهٔ تحقیقاتی که بعمل آمده است ونیز مستندات حکم باید قیدشود.

رئیس - ملاحظاتی در این ماده نیست (گفته شد یك لفظ باید زیادی است باید اولی را بزنید) مجدداً باحذف لفظ (باید) قرائت شد بدین مضمون:

ماده (۸۳) — در احکام دیوان محاسبات باستثنای احکام مذکوره درمادهٔ (۱۰۱) بایداسنادی که ارائه شده ونتیجه تحقیقاتی که بعمل آمده است ونیز مستندات حکم قید شود.

رئیس - رأی میگیریم برماده ۸۳ بطریقی که خوانده شد کسانی که موافقند قیام نمایند - اغلب قیام نمودند وبا کثریت تصویب شد.

پیشنهاد وزیر مادهٔ (۸۱) — همیشه اصل احکام در دفتر دیوان محاسبات ضبط و سواد مصدق آن بمحکمه فرستاده میشود.

پیشنهاد کمیسیون - ماده (۸۱) ازلایحهٔ وزیر حذف ودر جای خود ذکر میشود. پیشنهاد وزیر ماده (۸۲) و(۸۳) - مدعی العموم بایکی ازمعاونین او در محاکم ودر مجالس عمومی حضور خواهد داشت وحق دارد رأی خود را اظهار نماید ولی دادن رأی باید بعداز مذاکرات وقبل ازصدور حکم باشد. پیشنهاد کمیسیون ماده (۸٤) درهر امری ودر هرموقع قبل از صدور حکم مدعی العموم حق دارد عقیده خود را اظهار کند محکمه هم میتواند عقیدهٔ مدعی العموم را بخواهد واز این جهت اقلا سه روز قبل باید صورت حساب و اسناد وراپورتها باهتمام رئیس محکمه و بتوسط دفتردار کل بمدعی العموم ابلاغ شود درصورتیکه مدعی العموم بخواهد عقیده دهد باید کتباً منضم بصورت نماید و

اگر بخواهد درجلسه حاضرشود در راپورت شودقبل از وقت اطلاع خواهد داد.

حاج سید ابراهیم — بنده میخواستم عرض کنم درپیشنهادوزیر حق داده است که مدعی العموم و معاونین باید حضور داشته باشند وآن بجهت بیان عقیده بهتراست ولی درراپورت کمیسیون چنین معلوم میشود که مدعی العموم باید غایب باشد و صورت عقیده خود راکتباً بنویسد وبرگرداندن این عبارت راکه مدعی العموم بایدغایب باشد و بعدملاحظات خودش را بفرستد غیراز تعطیل اوقات یعنی چند روزی معطل شدن نتیجه دیگری بنظرم ندارد جهة تغییر راخوب است آقای مخبر بیان فرمایند.

فهیم الملك — قصد نکرده اند بر اینکه مدعی العموم حکماً نبایدحاضر باشد در ابتدا گفته شد که می تواند مدعی العموم درمحاکم حاضر باشد وکلای عمومی هم تعیین میشوند و آنها هم نظر خواهندداشت ولی مجبور نخواهد بود مدعی العموم که حکماً حاضر باشد وعقیده اش را بیان کند محکمه رسیدگی خود را می کند واگرعقیده مدعی العموم را باین طریقیکه ذکر شده است خواست محکمه مدعی العموم کتباً می تواند بفرستد دیگر مدعی العموم مجبور نیست که باید در محکمه حاضر باشد باید خود او هم مثل محکمه رسیدگی بکند واظهارعقیده بکند حالا این شکلی که دراینجا نوشته شده است نه ازبرای این است که حاضر باشد یا غایب باشد برای این است که عقیده خودرا می تواند کتباً بفرستد در هر حال بایداسناد رابدست او بدهند که اوبرود عقیده خود راکتباً بفرستد.

حاج سید ابراهیم — بیشتر این شرح ذکر نشد که باید مدعی العموم در محاکم حاضر باشد بنده مطالعه کرده ام و خاطرم هست هیچ این قید نشده عرض هم نکردم که حتماً باید غایب باشد لکن عرض کردم که درپیشنهاد وزیر این ذکر را کردیم حالا جهة اینکه این حق راداده ایم چه چیز است بایدطوری باشد که مدعی العموم یا معاونش حاضر باشند که کار زودتر انجام بگیرد وزودتر بتوانند عقیده خود را اظهار بدارند.

حاج آقا — اگر نظرتان این است که مدعی العموم بایدمداخله کندمی دهند که مدعی العموم یك شخصی است که طرفداری از حقوق دولت میکند ودر دیوان محاسبات وجوداو در هرمحکمه و در هر موقع ضروری و لازم نیست فقط در یك موردیکه اعتراض باشد البته آنجا حاضرمیشود و عقیده خودش را اظهار می کند و طرفیت می کندو ازاین جهة نمی توانیم الزام کنیم که حساب یك وزیر را حکماً باید مدعی العموم تصدیق کند این هیچ صحیح نیست در یکصورتیکه مدعی العموم نظری داشته باشد البته نظراتش را مینویسد و می فرستد واگر هم بخواهیم حاضر خواهد شد این الزام قانونی را نمی توانیم بکنیم.

وکیل التجار — بلی بنده عقیده ام بخلاف است مدعی العموم تنها مدافع حقوق دولت نیست و بلکه بیشتر باید مدافع حقوق مباشرین حساب باشد یعنی باید او نظر بکند بهر دو طرف بدون طرفداری و بدون ملاحظه نظر می کند هر کس را اشتباهی کرده است بنظرش می آید عقیده خودش را میگوید اعتقاد بنده این است که اگر عقیده مدعی العموم را یك محاکمه نپذیرند باز درحکم باید عقیده او را یاد داشت کنند که مدعی العموم یك همچو عقیده ای داشت اگرعقیده اوهم برخلاف رأی محکمه باشد مدعی العموم عنوانش برای این است که اگر دید اختلاف یااشتباهی دررأی محکمه است یادداشت بکند فرق نمی کند چه از طرف دولت یا ازطرف مباشرین اوباشد عقیده خودش را حکما باید اظهار بکند و مخصوصا اگر عقیده او هم پذیرفته نشد باید یادداشت شود واگر بامحکمه همراه است که همراه است دیگر رای علیحده لازم نیست که بدهد ولی در موقعی که اعتراض میکند ورأی بر خلاف می دهد ومیگوید که محکمه سهو یا اشتباه کرده است حق دارد که بگوید عقیده من این است که محکمه اشتباه کرده است باید آن ایراد واظهار او را در حاشیه حکم یادداشت کنند.

فهیم الملك — یك امتیاز خیلی فوق العاده برای مدعی العموم قرار دادید که هیچ جا یك همچو امتیازی برای مدعی العموم نیست که او را مصدق احکام محکمه قرار بدهید که اگر قبول کرد حکم محکمه را حکم صحیح است والا فعلا این طور نیست مدعی العموم فقط حق اظهار عقیده دارد فقط اظهار می نماید و محکمه عقیده مدعی العموم را فقط برای توضیح واصلاحات خودش میخواهد اگرعقیده محکمه مخالف بوده است در اینجا با مدعی العموم گفته شد که باید مدعی العموم فقط مدافع از طرف دولت باشد ودرموقعی هم که برخلاف قانون ببینید محاکمه صورت گرفت بترتیب قانونی می تواند رسیدگی درامر را بخواهد ولی هیچوقت قید نمیشود که مدعی العموم عقیده خودش را درحاشیه حکم ثبت کند که اگر تصویب شد مجری باشد.

حاج آقا — بنده موافقم با آقای مخبر و همینقدر عرض می کنم اگر فراموش نکرده باشید در همین عنوان خیلی گفتگو شد که مدعی العموم از طرف دولت معین شده و بدانید که ترتیباتی که مورد نقض حکم است برای خود صاحب جمع خیلی مذاکره شده است دیگر خوب نیست در اینباب خیلی مذاکره شود.

آقاشیخ ابراهیم - بهتر این است که اینجا یك چیزی رعایت شود - که درهر امری ودرهرموقع حق دارد حاضر شود عقیده خودرا اظهار کند - یکی هم در آنجا می نویسد درصورتیکه مدعی العموم بخواهد عقیده دهد - بنویسند اظهارعیده کند اظهار عقیده دهد یعنی چه.

وکیل التجار - بنده هیچوقت مدعی العموم را مصدق حکم محکمه قرارندادم لیکن عرض کردم محاسب هم اظهارات خودش را باید بکند و البته شخصاً مدعی العموم دقت خود رادر محاکمات باید بنماید مدعی العموم را دردقت درمحاکمات خیلی با اهمیت فهمیدم و برای این است که دقت کند و رای مدعی العموم دردیوان محاسبات همیشه درمحاکمات اهمیت داشته باشد و برای این است که بنا باشد مدعی العموم آمددیدکه عقیده اش بارأی محکمه موافق شد که مطلبی است آنوقت دیگر رای لازم نیست واگر مخالف شد با رأی محکمه وعقیده او اهمیتی نداشته باشد نمی دانم دیگر وجوداو برای چه لازم است مدعی العموم یعنی چه یعنی از طرف همه باهمه مدعی است یعنی دافع حق است از طرف همه حقوق همه را باید مدافعه کند البته تکلیفش این است که درهرموقع اختلاف یااشتباهی است عقیده خودرا اظهار کند و گمان بنده این است که لازم است یعنی درجاهای دیگر اینطور دیدم که یاد داشت میکنند یك اظهاری راکه می کند در حاشیه حکم وبنده عرض نکردم او را داخل حکمی بکنند فقط عرض کردم اظهار اورا یادداشت بکنند که درموقع تجدید نظر یادر غیر تجدید نظر که معلوم باشد مدعی العموم این ایرادرا کرده است.

ماده مزبور مجدداً قرائت شد.

رئیس — رأی می گیریم بر ماده (۸۵) بطریقی که خوانده شد هرکس موافق است قیام نماید (باکثریت تصویب شد) - راپورت کمیسیون:

ماده (۸٤) نامادهٔ (۸۷) ازلایحه وزیر حذف ودرجای خود ذکر میشود.

رئیس — بقیه شور این قانون میماند برای جلسه آتیه.

پیشنهادی ازطرف آقای بهجت باامضای ده نفر از نمایندگان مضمون ذیل قرائت شد:

۱۵ محرم ۱۳۲۹ نظر باهمیت موقع عربستان ولرستان وشدت احتیاج این دونقطه باصلاحات لازم چنانچه بر هیچیك از نمایندگان مخفی نیست تقاضا می نماییم کمیسیونی که عده اش شش نفر باشد انتخاب بشود و باوزراء عظام در ترتیب اصلاحات این دو نقطه مبادله افکارنموده نتیجه حاصله رابمجلس مقدس راپورت بدهد.

رئیس — تقاضای یك کمیسیون شش نفری کرده اند حاجی باید که انتخاب بکنیم

حاج آقا این کمیسیون چون درامورجنوب گفتگو خواهد کرد وسابق هم در کمیسیون جنوب گفتگو شد که درامور جنوب کلیتاً گفتگو کنند تصور میکنم که خوب است وقت مجلس راضایع نکنند وهمان کمیسیون که خود آقایان هم در آن هستند بنشینند ودراین خصوص باوزرا مذاکره بکنند و یاد آوری بکنند که اقدامات بکنند دیگر وقت مجلس هم ضایع نشود.

افتخار الواعظین — بنده اولا بانعقاد آن کمیسیون ومرتب کردن ترتیبات عربستان ولرستان همراهم وخیلی لازم میدانم برای اینکه وزرای عظام ما مادامیکه بحال خود باشند ویك چند نفری محصل آنها واقع نشوند گمان نمیکنم بوظایف خودشان عمل بکنند ولی بااینکه بااین کمیسیون همراهم میگویم اینکار گویا خیلی کار صحیحی نباشد که برای ادای وظایف وزرا عمجلس همیشه محتاج باشد به اینکه یك کمیسیونی برای آنها معین بکند مثلا وزیرداخله میداند برای عربستان باید حکومت ونظمیه وامنیه فرستاد وزیر جنك میداند که برای آنجا باید استعداد وقشون فرستاد وزیرعدلیه میداند بایدرئیس عدلیه فرستاد وزیرمالیه میداند باید امین مالیه بفرستد اما این آقایان وزراء ادای وظایف

خودشان را نمیکنند تا رقتیکه‌نمایندگان مجبور شوند کیك کمیسیونی انتخاب کنند که‌بمحصلی آن کمیسیون وزراء ادای تکالیف خود شان بکنند با این تفصیل بدبختانه در عین اینکه بنده‌همراهم باانعقاد این کمیسیون عرض میکنم که وزراء هیچوقت بوظایف خودشان رفتار نمیکنند وهیچ کاری نخواهند کرد و همیشه مارا مجبور میکنند که‌مایك چند نفر محصل برای آنها معین کنیم.

بهجت — اگر بنا‌ست ورود درمذاکرات بکنیم آنوقت بنده بی‌توجهی و کلارا سبت بآن حدود یکی یکی شرح خواهم‌داد و ثابت میکنم که‌وکلا هم‌هم تقصیر دارند و کلائی هم که‌نظارت براعمال وزرا دارند شریك باآنهاهستند که‌مساعده کردند ولی‌فقط‌بنده همان‌مقصود خودمان را که کمیسیون تقاضا کردیم و قانون اساسی آن روزیکه ار تصویب دولت وملت گذشت حق داده که‌هر ده نفری که تقاضای کمیسیونی بکنند حق‌دارند واین‌رأی داده شدوماحق‌داریم که‌یك‌هیچو تقاضائی‌را بکنیم ومجلس باید فلان‌یك شش‌نفری راممعین‌بکند اگر بنا باشد این قبیل‌مذاکرات بکنند نده یکی یکی از مسامحات نمایندگان راخواهم گفت که‌اگر یك‌مسئولیت ابدی برای خودشان گذاشته‌اند.

رئیس — خوب‌حالا باید انتخاب کرد.

بهجت — پس‌بنده این‌ماده را میخوانم.

وکیل‌التجار — ماده‌را میدانیم.

بهجت — اگر این‌ماده ازقانون اساسی‌صحیح است که این‌رأی داده شود والایکی‌یکی ازتقصیرات آنها را ثابت میکنم.

(آقای‌میرزا ابراهیمخان اصل (۳۴) را بطور ذیل قرائت نمود)

اصل (۳۴) ـ رئیس مجلس‌میتواندبرحسب‌لزوم شخصاً یابخواهش ده نفر از اعضاء مجلس یا وزیری اجلاس محرمانه بدون حضور روزنامه نویس‌وتماشاچی یا انجمن محرمانه مرکب از عده منتخبین از اعضای مجلس تشکیل بدهد که‌سایر اعضاء مجلس حق‌حضور درآن نداشته‌باشندلیکن‌نتیجه مذاکرات‌انجمن‌محرمانه وقتی مجری تواند شد که مجلس محرمانه باحضور سه ربع از منتخبین مطرح مذاکره شده باکثریت آراء قبول شود اگر مطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول نشد درمجلس عنوان نخواهد شدو مسکوت عنه خواهد ماند.

وکیل‌التجار — بلی اول استدعامیکنم اگر آقایان‌میخواهند مباحثه نکنندبنده عرایض خودم را بگذارم‌وهیچ‌عرض‌نکنم والا عرض میکنم که هریك‌از این‌فرمایشات آقا صحیح‌است ولی قصاص‌قبل ازجنایت صحیح‌نیست بجهت‌اینکه‌میدانم‌ایراددرچه‌بود هیچوقت گمان‌نمیکنم که‌هیچ‌یك‌از افراد ملت یاهیچیك‌از نمایندگان محترم بیایدنزاع بکنندو آنچه‌درقانون اساسی بماحق‌داده‌است این‌غیرممکن‌است وکسی نمیتواندراینباب‌نزاع بکندامادر حدود آن قانون اساسی‌یك‌حدی‌معین کرده‌است‌برای منتخبین‌و بنده‌عرض‌می کنم که‌آن‌حدودمواظبت‌وملاحظه نشده است ومی خواهم عرض‌کنم البته هرده نفری حق دارندتقاضای کمیسیون انجمن‌مخصوصی‌ومجلس خصوصی هم بکنندولی‌آن مذاکرات وآن چیزی راکه می‌خواهند نتیجه بگیرند آنجا گفته‌است که‌در مجلس محرمانه باحضور سه‌ربع از اعضاء باید این مسئله مطرح شده رأی گرفته‌شود وآنوقت‌نتیجه‌از او گرفته شود یعنی آنوقت می‌توانند بموقع اجرا بگذارند واگر این‌طور نشود بموقع اجرا گذاشته نمی‌شود اما اینجا بنده باکمال وضوح وبی‌ملاحظه عرض میکنم که اغلب بلکه همه را عرض می کنم آنچه راجع بمطالبی بوده است که تصفیه بکنند و بمجلس بفرستند که‌عمل کرده‌اندولی‌این‌جور کمیسیون ها که‌برای اصلاح امور تشکیل شده‌است یکی را نشان بدهند که‌دریك‌مجلس عمومی یا دریك مجلس خصوصی باحضور سه‌ربع ازاعضاء مذاکره‌شده آن رابمن نشان بدهید اگر یکی ازاینها رابمن نشان دادید بعدبنده تصویب می کنم همینکه کمیسیون انتخاب وتشکیل‌شد ماگمان‌میکنیم که اختیار تامه داده شده‌است وهرچه آن کمیسیون تصویب میکند بایدبموقع اجرا گذاشته شود این‌تصور هم‌نشود که بنده اعتراض بیك کمیسیونی دارم بنده نمی گویم اعتراض بکسی دارم اعتماد بهمه دارم ولی عرض میکنم وقتیکه اینجا کمیسیونی انتخاب شد ورفتند اقدامات ومذاکره کردند وتمام مردم این اقدامات را ازطرف مجلس می‌دانند درمجلس خصوصی هم عرض کردم حالاهم عرض میکنم‌وزراء هنوز ملتفت نشده‌اند که رای کمیسیون رای مجلس شورای‌ملی نیست که‌هروقت‌یك کمیسیونی تشکیل می‌شودهرچه رای کمیسیون‌شد وزراء آن‌را رای مجلس‌شورای ملی می‌دانند ومیروند مشغول کار واقدامات‌می‌شوند این اسباب می‌شود که همه‌نمایندگان‌ازجریان امور مملکت مسبوق نیستند اقداماتیکه می شود اطلاع ندارندچرا برای‌اینکه یك کمیسیونی برای‌جنوب یك کمیسیونی برای‌شمال ویك کمیسیونی برای‌امور آن ولایت یا ایالت جمع‌می‌شوند ومذاکره‌میکنند و ترتیباتی می دهند صحیح است نمایندگان اینجا اطلاع دارند ومی شود که سایرین کمتر اطلاع داشته باشند اما اینهم نمی‌شود آن ایالت‌رابواسطه آن نمایندگانی که اطلاع دارند استثنا کرد از سایر نمایندگان باید سایرین‌هم بتوسط‌نمایندگان که اطلاع‌دارنددر مملکت اقداماتی که‌می‌خواهند بشود باید اطلاع پیدا کنند تا بدانند در فلان قسمت از مملکت چه خبر است نهایت اگر بعضی از اقدامات در مجلس علنی بنا شد مذاکره بشود همینطور که این ماده بما میگوید که درمجلس خصوصی باید که‌سه‌ربع حاضر باشند و مذاکره‌شود و بنده عرض میکنم خیلی ازجاها مذاکره‌و گفتگوها میشودکه بهیچوجه اطلاع‌نداریم چه‌اتفاقات‌می‌افتد چه میشود مگر آنکه در روزنامه بخوانیم بلکه همین‌طور که‌آقای کاشف فرمودند که باید در روزنامه‌ها دید والا دیده نمی‌شود وخیلی از نمایندگان نمی بینند پس بنده‌عرض میکنم‌ملت تمام نمایندگان را مسئول امور مملکت نمی تواند بداند برای اینکه یك اتفاقی که واقع میشود یك قسمتی از نمایندگان مسبوق نیستند و من مجبور بودم این‌را اینجا عرض کنم که تمام ملت بدانند که ما مسئول تمام آنچه‌که در مملکت باسم مجلس و بعنوان مجلس می‌شود نیستیم بنده در این موقع لازم دیدم که عرض کنم که اینگونه مذاکراتی که میشود و اقدام میشود و آنوقت مسئولیتش‌رانسبت بهمه ماها میدهند شانه خودم را از زیر این بار خارج میکنم.

شیبانی — فرمایش آقای وکیل‌التجار که ربطی باظهار آقای بهجت ندارد ولی فرمایشی‌که آقای افتخارالواعظین کردند میتوانم عرض کنم که تقریباً گوسه و ریش پهن فرمودند میفرمایند که وزراء تا محرك نداشته باشند کار نمی کنند و از آنطرف خرابی‌های عربستان و لرستان‌راهم می بینم که هریك ازنمایندگان‌ازحدودمحل‌انتخاب‌خودشان یا بتوسط کمیسیون یا بتوسط احترامات شخصی‌یك نتیجه گرفتند چنانچه در مسئله کاشان تا آنکه یك فشار فوق‌العاده نیاوردیم سربازی نرفت استعدادی نرفت پس در مسئله عربستان ولرستان بینی‌وبین‌الله نهایت قصور ازطرف‌ما شده‌است وآن فشاری‌که باید بوزراء بیاوریم و محرك شویم تا اینکه یك اقدامی درکار آنجا بکنند نشده‌است وگمان‌میکنم که اغتشاشات آنجا لازم بشرح نیست وهمه آقایان می‌دانند اقدامی درخصوص آنجا نشده است قشون نرفته‌است پس باید کمیسیون‌را هم تشکیل‌کرد و و در این‌کار اقدام کنند و جداً ساعی باشند برای فشارآوردن بوزراء تا اینکه اقدام کنند در مسئله عربستان ویك‌نتیجه‌ای از این‌کارها بگیریم‌واینکه نتیجه‌راهم کمیسیون بمجلس نمی‌دهد ماهروقت‌تقاضا بکنیم باطلاع مجلس میرساند و الا اقدام در امور جنوب‌یك‌مسئله محرمانه نیست [illegible] میگویندپاپول باید داد یا سرباز برود و هروقت تقاضا بکنیم هر کمیسیونی اقدام خودش‌را البته اظهار خواهد کرد بنده هم تقاضا می کنم که این کمیسیون را زودتر انتخاب کنند که هرچه‌زودتر مشغول‌شوندبلکه‌انشاءالله اصلاحی‌درعمل عربستان بشود.

[پیشنهادی ازطرف‌آقای حاجی آقا قرائت شد مشعر براینکه این کمیسیونی که تقاضاشده است همان کمیسیونی باشد که‌برای امر فارس‌وغیره‌انتخاب شده‌است چون‌عربستان‌هم جزء جنوب‌است کمیسیون علیحده تشکیل‌نشود.]

رئیس — اینجا آقای حاجی آقا پیشنهاد کرده‌اند که این کمیسیونی که آقای بهجت و چند نفر دیگر تقاضا کرده اند همان کمیسیونی باشد که‌سابقاً برای‌جنوب انتخاب شده‌اند-حالاپیشنهادی که‌آقای‌بهجت وسایرین کرده‌اند تقاضادارند که‌یك کمیسیونی‌مجدداً انتخاب‌بشود.

بهجت — این‌چه پیشنهادی‌است پیشنهادبر پیشنهاداست.

رئیس — شما پیشنهاد فرمودید که یك کمیسیونی تشکیل شود — حالا آقای حاجی آقا پیشنهاد کردند که همان کمیسیون جنوب باشد

حاج‌آقا — بنده پیشنهاد خودم را مسترد می دارم.

رئیس - پس حالا شروع به انتخاب یك کمیسیون شش‌نفری می کنیم برحسب تقاضای‌آقای بهجت وده‌نفر ازنمایندگان‌دیگر.

(اوراق رأی توزیع واخذشده آقای حاجی میرزا رضاخان. آقای نیرالسلطان . آقامیرزا اسدالله‌خان آقا میرزا رضا خان نائینی را برای نظارت در استخراج بقرعه معین وآراء را احصاء نمودند]- عده حضار (۷۲).

رئیس - استخراج رادرخارج خواهند کرد.

آقامیرزا ابراهیم‌خان — یك دو فقره اظهاری است ازطرف وزارت معارف وفوائد عامه خوانده میشود.

فقره اول

مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه پوشیده نیست که برای اجرای مقاصدیکه درآتیه درپیش داریم وباید ازحالا استقبال کردحتی‌الامکان لازم است درتوسعه معارف اقدام نمود و درترتیب محصلین ذوی‌الفنون و معلمین صحیح کوشید تابعد دردوائر دولتی ومدارس داخله مشغول خدمت‌شوند واز وجود آنها بهرهٔ کافی عایدشود ومسلم است که بطور تکمیل حالیه اساس اینکار در داخله فراهم نیست وپس ازآنی که فراهم شودمدتی طول‌خواهد کشید نظر باحتیاجات فوری وزارت آنچه در نظر دارد این است که بیست نفر از شاگردانی که تاکنون درمدارس دارالفنون ومدرسه سیاسی وغیره تحصیل نموده‌اند انتخاب نماید وبرای شعب مختلفه علوم وفنون باروپا اعزام دارد تا درآنجا بتکمیل تحصیلات لازمه که‌امروزه برای مملکت درخوراست پرداخته درظرف چهارالی پنجسال فارغ التحصیل مراجعت بایران کرده ازمعلومات خود سایر ابناء وطن‌را بهره‌ور وبی‌نیاز نمایند وبرای مخارج این بیست‌نفر درسال کمتر از ده‌هزار تومان منظور نمی‌توان کرد وزارت معارف ازآن ساحت مقدس تقاضامیکند که‌دراین‌مقصودامعان نظری‌فرموده در صورتیکه تصویب میشود مقرر فرمایند از محل عایدات نمك بطور فوق‌العاده این مبلغ داده شود که ازحالا برای انتخاب شاگردان مزبور بارعایت اصول نظامنامه وبرنامه صحیح که بجهت اینکار تهیه شده‌است اقدام شود بجهت اول حمل بمقصود نائل آینده شاگردان را باروپا اعزام دارد (حکیم الملك) .

فقره دوم —مجلس مقدس شورای ملی‌شیدالله ارکانه

برای مدرسه نقاشی سابق از طرف وزارت معارف پیشنهاد مجلس مقدس شد واز طرف امناء امور که‌هزار تومان نقد ودوهزار ذرع از اراضی نگارستان بجهت اینکار تصویب گردید وتا کنون باین اندازه که ملاحظه فرموده‌اند ازاین دوهزار تومان بنای آن انجام یافته لکن بجهت تکمیل بنائی مبلغی لازم دارد که بکلی انجام پذیرد بعلاوه اثاثیه که‌عمده اساس این کار است لازم‌دارد وبجهت اینکه مقصود دوهزار وسیصد تومان دیگر اندازه مصرف آن میشود وزارت معارف تقاضا می نماید که تااین مقدار که دولت مرحمت‌فرموده‌برای بقیه مخارج کار بنائی ناقص نماندبدیهی است که اولیاء امور هم تجویز فرموده که وزارت مالیه‌این تنخواه رابرداخته که برفعل دراختتام آن اقدامات لازم بشود وزارت معارف تقاضا می‌نماید که این مبلغ فوراً تصویب شود و منتظر بودجه سال آتیه نباشد [حکیم الملك] .

[بعضی احسنت گفتند].

رئیس - این هردو فقره لابد باید بسرود بکمیسیون بودجه وبعداز اینکه از آنجا راپورت داده‌شد داخل مذاکره خواهیم‌شد و بنابراین حالا داخل مذاکره این نمی شویم .

صورت استیضاحی از طرف آقای آقا میرزا ابراهیم قمی قرائت‌شد باینمضمون :

درچندی قبل بواسطه‌اغتشاشی امر گوشت که‌تقریباً دراین سال چند هزار اطفال‌رانا‌خوش کرده‌ملتفت نموده اهالی بصدا درآمده بحکومت دارالخلافه‌از تعدیات کمپانی تشکی کردند وعدم قانونی بودن کمپانی گوشت‌راظهار داشتند کمپانی‌استعفا کرده منحل شدهیئت‌موقتی‌بسعی‌جناب‌سهام‌الدوله حکمران برقرار رفاهیت و کشتار گوسفندرادر عهده گرفتند وچارکی صد دینار گوشت را ارزانتر از کمپانی سابق فروختند وروده گوسفندان رابدولت تسلیم کردند که کمپانی سابق دراینمدت نداده بدولت معذالك‌برآورد کردند که روزی‌دویست‌تومان‌ازبرای آن‌هیئت در آن چند روزه فایده کرده و گوشت صحیح هم‌بمردم فروخته شاهزاده‌وزیر داخله‌نمیدانم بچه‌علت آن هیئت موقتی را که اسباب رفاه بودند برداشته وبکمپانی سابق واگذارکرده که‌تاکنون بیك ماده ازقرارداد خودشان عمل نکرده لذا این بنده درخصوص کمپانی‌ازوزیر داخله استیضاح‌دارم که‌دو اصل ازقانون اساسی که‌اصل (۲۳) و(۲٤) است نقض نموده‌اند .

حاجی‌شیخعلی‌خراسانی-خاطرنمایندگان مسبوق است بر اینکه از ابتدای دوره تقنینیه فریاد برای بودجه بلند بوده است که چرا وزراء بودجه‌را بمجلس نمیفرستادند قریب یك‌ماه است که‌بعضی‌از بودجه هارا آورده‌اند اما بدبختانه‌اعضای کمیسیون بودجه حاضرنمیشوندبرای کاربرپروز که‌روزیکشنبه بود کمیسیون منعقد نشد دیروز هم یکساعت و نیم بعدازوقت‌منعقدشدوحال‌آنکه اگرمی‌خواهندبودجه بگذرد بمجلس‌بیاید باید فقه‌ای‌چهارپنجمرتبه‌جلسه تشکیل شود آنچه وقت دارندمصروف دارندبعضی ازآقایانی که‌عضویت کمیسیون بودجه رادارند از سایر کمیسیونها استعفا بدهندودر کمیسیون‌بودجه حاضر شوند و مشغول این کار شوند و اگر باین نحویکه‌مادارایم کارمیکنیم ازکمیسیون وزراءچهار ده‌ماه طول کشیدازکمیسیون بودجه احتمال‌دارد چهارده سال طول بکشد لذا بنده استدعا میکنم ازکمیسیون بودجه که‌درسر وقت حاضر شوندوزود بآن رسیدگی بکنند وراپورت بدهند .

محمدهاشم‌میرزا — اولا عرض بنده این بود که در (۱٤) جدی شعبات باید تجدید بشود و امروز عقیده بنده این بود که‌جزءدستور گذاشته می‌شد حالاامروز گذشته است جزءدستوریس فردا گذاشته شود اما این‌فرمایشی راکه حاجی شیخعلی کردند چه‌راجع بوکلا چه‌راجع‌بکمیسونهابلفظ‌عموم کرده است‌واین صحیح نیست خوب است بفرمایند فلان وفلان و باسم تصریح بکنند که کی حاضر نمی‌شود والا (۱۸) نفر که (۹) نفر شان باید همیشه حاضر باشندواشخاصی که‌درکمیسیون‌بودجه هستند شایدهیچ غائب نشده‌اند خوب‌است‌ازروزیکه آقای حاج شیخعلی تشریف آورده اند بکمیسیون بودجه‌هر کس که‌نیامده‌است ومخالفت کرده همان‌ها را بفرمایند .

حاجی‌شیخعلی — در نظامنامه داخلی داریم که‌باید اعضاء کمیسیون‌بودجه هرروزه حاضر وغایب شوند ودرمجلس‌هم‌خوانده شود ودرروزنامه رسمی هم قید شود اگر از اول این ماده قانون را رعایت کرده بودیم دچار این محظورات‌نمی - شدیم اگر بنا باشد هشت نفر حاضر باشند و ده نفر دیگر حاضر نشوندمعلوم است کمیسیون‌منعقد نمی شود چون ده نفر که حاضر شوند کمیسیون بودجه منعقد خواهدشد بجهت اینکه ده‌نفر زیادتر ازنصف است ولی می‌بینم‌بعضی‌روزها‌بعضی‌می آیند وبعضی‌ها درروزهای‌دیگر می آیند بنده کسی هستم که همیشه حاضر بودم ویك‌ساعت غیبت نکرده‌ام چنانچه‌بعضیها درهمین‌جلسه گذشته یکساعت بغروب مانده تشریف آوردند .

دکترعلیخان — گویا بنده هر وقتی یا می‌شوم برای همان مطلب است و برای مستخدمین خارجه عرض کردم آلان نزدیك یك‌ماه ونیم است که بنده در این‌باب استیضاح داده‌ام بهیئت رئیسه برای اینکه گفتگو شود ومعلوم شود که برای این مطلب مهم که‌همه‌ما امیدواری داشتیم که‌هر کابینه‌ای‌که تجدید می‌شود بیشتر درآن اصرار و ابرام می کنند علت اینکه اقدام نشده است چیست امروز که راپورت کمیسیون پروگرام توزیع‌شده است بنده می‌بینم چیزی را که اهمیت داده‌اندهمان مسئله مستخدمین خارجه است و نوشته‌اند که باید اصرار بکنیم که‌دراین مسئله خیلی قصورشده‌است وما می‌بینم که‌دراین مورد هیچ اقدامی نشده است الان چندین ماه است که وکلا رأی داده اند که مستخدمین هر چه زودتر بیایند و آنها را بخواهند ودراین خصوص جلسه خصوصی شد جلسه علنی شد معلوم نیست که‌وزراء چرادراین خصوص اقدام نمی کنند وچرا حاضر نمی‌شوند جواب‌بدهند بنده روز پنجشنبه [illegible] وزراء حاضر نشوند در این خصوص تقاضای رأی‌خواهم کرد (بعضی گفتند صحیح است) .

حاجی‌سیدابراهیم- عرض‌بنده‌راجع باین بود که‌می‌بینم وقت مجلس صرف مطالب غیر مهم می شود در خصوص تقاضای وزارت معارف هیچ اظهاری نشد باید خیلی عقب کرد زیرا که وزارت معارف تا بحال هیچ ترتیبی در کار معارف نداده است که اگر از آن مسئله تعقیب‌نشودهیچ‌نشده‌باشد چنانچه‌اجازه‌میدادید بنده مشروحاً عرض می کردم.

حاج‌آقا - حالا چون موقع دستوراست و من مجبورم که در موقع‌دستور عرض خودم رابکنم از اینجهت عرض می کنم که‌خوب است‌آقایان‌متوجه باشند (۹)ماه ازدوره تقنینیه بیشتر باقی‌نمانده وما

وقتی ملاحظه می کنیم می بینیم چه کارهای مهم درپیش داریم و این مدتی را که گذرانده ایم الحق هیچ کار نکرده ایم روزانه در مجلس سه ماده قانون می‌خوانیم و غالباً یامذاکرات زیاد می‌شود یاواقعاً در یك رشته دیگر می‌افتیم که ابداً ربطی بمطلب ندارد و ازکار های مهمی که داریم یکی نظامنامه انتخابات است که باید ما بنویسیم یکی ترتیب بودجه مملکت است که واقعاً اگر این دوره بگذرد و بودجه مملکت را تسویه نکرده باشیم خیلی باید مورد ملامت و لعنت موکلین خودمان باشیم آن راهم گمان میکنم که اقدامی نشده است یکی هم قوانین ادارات است که وزراء نداده اند آنهائی را هم که داده اندمی بینیم نمی توانیم بگذرانیم ومخصوصاً در ترتیب پروگرام می گفتند صبر کنیم تشکیل کابینه شود تا اینکه پروگرام کافی برای مشی دولت بدهند و آنوقت کابینه با یك دستور مرتبی داخل کارشود وگمان می کردیم یك هفته بیشتر طول نکشد و چه امیدوار شدیم حالا امروز میبینیم سه ماه است است ابداً از پروگرام خبری نیست و من گمان می کنم بعضی از اعضای کمیسیون پروگرام ابداً حاضر نمی‌شوندو هیچ کاری نمی کنند فقط بجهت عدلیه یك راپورتی نوشته‌اند که مدتی است گذشته است آنهم بعد از آنکه بنده دیدم مدتی است گذشته و بعد از آنکه چندین دفعه اصرار کردم که راپورت کمیسیون رابنویسند وبیاورند درمجلس دیدم چون تمام نمیشود گفتم همان ترتیب عدلیه‌را بیاورند حالا هم تقاضا میکنم که جزء دستورشود. عدلیه این مملکت راواقعاً هیچکدام ازوکلا نیستند که تصدیق نکنند یك عدلیه خرابی است عدلیه اسباب شکایت وناله وتنفر عموم و فریاد ملت شده است ولی تا کی تمام تصدیق داشته باشیم وهیچکدام اقدام نکنیم و هی بگوئیم باید اصلاح شود این اصلاح را کی باید بکند یکنفر وزیر نمیتواند عدلیه رااصلاح بکند باید یکدستوری نوشته شود وفشار بیاورند وپارتی بازی اجزاء عدلیه مجبور نکند وزیر را که هیچ‌اقدام دراصلاح نتواند بکند باید این پروگرام زودتر بگذرد که دراین دوره تقنینیه یك افتخاری‌داشته باشیم که یك همچو کاری برای این مملکت کرده‌ایم .

رئیس - در ابتدای مجلس قبل از آنکه حضرتعالی تشریف داشته باشید در اینخصوص مذاکره شد در صورتیکه هیئت رئیسه خودشان مصمم بودند که همین کار را بکنند که مسئله عدلیه را جزء دستور جلسه آتیه بگذارند حالا هم همین کاررا خواهند کرد .

افتخار الواعظین — بنده می خواستم عرض کنم که از جمله چیزهائی را که خیلی لازم‌می دانم این است که مجلس شورای ملی ونمایندگان حق شناسی‌خودشان را نسبت بکسانی که در راه آزادی ایران وکسانیکه در راه مشروطیت زحمت کشیده اند ودرراه‌آزادی ملت جان داده اندحقوق آنهارا باید منظور داریم و باز ماندگان آنها را مجلس شورای ملی که نماینده تمام ملت است باید امروزنگاهداری بکند بنده عرض می کنم دونفر از کسانیکه درراه آزادی ایران جان داده اند و کشته شدند و از شهدای آزادی محسوب میشوند یکی مرحوم حسام‌الاسلام و یکی هم مرحوم‌قاضی قزوینی است وازطرف‌وزارت‌مالیه برای‌بازماگاندن یکنفرآنها هیجده تومان و برای‌یك نفر دوازده تومان یا هیجده تومان (گویاانظرم نیست) ودرین باب مدتی است رای خودش را اظهارکرده‌است و در مقابل پنج کرور پولی که مجلس شورای ملی و دولت باشخاص می دهد که بنده عقیده ام این است که مقداری از آن را بکسانی داده است که نه خدمتی کرده اند و نه امروز مصدر خدمتی شده اند و ابداً استحقاق ندارند این مبلغ جزئی برای بازماندگان این دوشهید راه آزادی معین شده‌است بنده تقاضا می کنم که جزء دستور شود و روز ه شنبه تکلیف این دو راپورت معین شود یکی راپورت کمیسیون بودجه در باب وراث مرحوم‌حسام الاسلام و یکی درباره وراث مرحوم قاضی‌قزوینی

رئیس — پس دستور جلسه پنجشنبه را اینطور معین میکنیم — راپورت کمیسیون بودجه در باب ورثه مرحوم حسام‌الاسلام — ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بورثه‌مرحوم قاضی- راپورت کمیسیون‌پروگرام راجع‌باصلاحات عدلیه- راپورت کمیسیون قوانین مالیه درباب مالیات تریاك و غیره تجدید شعبات هم جزء دستور است

وکیل‌التجار — بنده تقاضا می کنم از برای جلسات بعد پیشنهاد هائیکه در باب‌نظامات داخلی بوده است و مدتی است که چندین پیشنهاد شده است و مکرر درمکرر بنده یادآوری کرده‌ام و همین طور مانده است استدعا می کنم که‌دریکی ازاول‌جلسات‌بعدجزء دستور شودیکی‌هم‌چند دفعه‌در اینجاازبعضی‌ازآقایان‌درباب‌راپورت کمیسیون تفتیش اصرارشده‌است وراپورت آن تاآن اندازه که داده شده‌است طبع وتوزیع شده‌است وجزء دستورنشده است‌معلوم‌است که‌عموم‌ملت مسبوق نیستند ومنتظرند وگمان میکنندکه هنوز کمیسیون تفتیش راپورت خودش را نداده‌واطلاع ندارند آنرا هم استدعامی کنم اگر پنجشنبه ممکن‌نیست درجلسه روزشنبه خوانده شود .

رئیس - اگربخواهند مباحثه کنند در جلسه روزشنبه ممکن‌است مذاکره کنند .

ارباب کیخسرو - فقط اینجا خواستم‌عرض کنم‌که آقای آقا سید محمد رضا راکه جزءغائبین خواندند این غفلتی‌است که‌ازطرف منشی اداره‌شده است وفراموش کرده است‌که اطلاع بدهد که جزء غائبین بااجازه است واشتباه کرده‌است .

لواءالدوله - بنده قصدم این‌بودکه اصلی ازقانون اساسی خوانده شود ببینیم وظیفه ماچیست اینجا می نویسد(اصل۲۳)بدون‌تصویب‌مجلس‌شورای ملی‌امتیاز تشکیل کمپانی‌وشرکتهای عمومی ازهر قبیل وبهرعنوان ازطرف دولت داده نخواهد شد) الان مدتی‌است که کمپانی خالصه یك قسمت نظام‌را ازدست دولت خارج کرده‌است هیچ شبهه ندارد ما امروز هم هیچ کاری نکرده‌ایم وامرور یك‌سلطنت مستقلی دریك قطعه ازمملکت ایران می کند و ما نمی‌پرسیم توباجازه کی کمپانی شده‌ای‌اگرتصویب مجلس است یا باختیار خودش یك سلطنتی دارد حکومت می کنند آدم می‌زنند می‌بندند حبس می کنند وماا‌ینجا نشسته‌ایم ماهیچ حرف نمیزنیم آنها هم همینطورملت راچاپیدند وخون ملت رامکیدند تا اینکه باینجا منجرشدکه مردم‌را بفشارهای زیاد مبتلا کرده‌اند ازحیث امراض گوشتهاهم باید حرف نزنیم وساکت باشیم‌اگروظیفه این‌است که‌آنچه‌باید بامضای‌مجلس‌برسد‌بااورفتار کنندرفتار کنند اگرهم سؤال‌بکنیم ازآنها بیست روزیکماه سئوال‌مارا عقب می اندازند استیضاح میکنیم‌از کابینه عوض یکماه سه ماه عقب می‌افتدبعدازسه‌ماه‌هم کابینه بهم‌خورده است کابینه که‌عوض‌شدبنده‌استیضاحم‌میماند برای‌قیامت که یقه آنها را بگیرم نمیدانم چند هزارنفر بیایند استیضاح بدهندیاجواب سئوال را بدهند هیچ‌نگفتم وسئوال‌نکردم‌که خوانسار وگلپایگان‌از این‌مملکت محسوب میشود تا اینکه چندی قبل ازوزارت مالیه سئوال‌کردم‌که آنها چه مبلغی نقد میگیرند چه مبلغی باقساط میگیرند برداشته جواب بنده‌را کتبا نوشته وبا وجود آنکه نظامنامه برای ما معین کرده‌است که‌وزیرباید بیاید درمجلس سئوال‌نماینده را جواب بدهد بنده نمیدانم این سئوال چیست و این جواب‌چیست مااین‌سئوالات‌را ازحضرت‌جبرئیل بکنیم یا اینکه عزرائیل بیاید جان این وزراء را بگیرد .

آقای معاضد الملك نتیجه استخراج آراءرا درباره اعضای کمیسیون(۶)نفری برای امرعربستان ولرستان‌بدین ترتیب‌اعلام نمود :

آقای بهجت با (۳۸) رأی - آقای‌حاجی‌سید ابراهیم مدرس با (۳۴) رأی - حاجی عزالممالك با(۳۲) رأی - آقای حاج‌آقا با (۲۳) رأی — آقای معاضدالسلطنه با [۲۱] رأی - وحیدالملك‌با (۲۰) رأی - منتصرالسلطان با (۱۸)رأی .

وحیدالملك - بنده‌ازعضویت‌این کمیسیون استعفا دادم .

معاضدالسلطنه - بنده اینجا قبل ازوقت بآقایان‌عرض کردم که‌بنده‌رانتوانستندچون‌در کمیسیون جنوب بودم‌واقدامات ومساعدات وزراء را دیدم و آن اظهارات‌وبیاناتیکه داشتم وبخرج‌نرفت وبعضی‌ها هم گفتندکه‌وزراء خیلی‌خوب کارمیکنندوباید باآنها همراهی کرد وبنده با این ترتیبات حالیه هیچ‌همراه نیستم‌که داخل درکار شوم برای اینکه میدانم که آنها خودشان اسباب اغتشاش مملکت را فراهم‌می کنند وبرخلاف‌مصلحت عمومی کار میکنند

مجلس سه ربع از شب گذشته ختم شد

جلسه ۱۹۹

صورت مشروح روز پنجشنبه ۱۷ شهر محرم الحرام ۱۳۲۹

مجلس دوساعت‌ویك ربع قبل‌از غروب‌آفتاب بریاست آقای متین‌السلطنه نایب‌رئیس تشکیل شد صورت مجلس‌روز سه‌شنبه‌را آقای‌معاضدالملك قرائت نمود .